قرابادین تحریر ۷۰۰ هجری

۱۲۴ ن

قرابادین تحریر ۷۰۰ هجری

۱۲۴ ن

بکوبند و به بیزند و بقند بسازند شربتی بقدر حاجت **مفرح مسیحی**
نوعی دیگر مؤلف قرنفل و خولنجان و بسباسه و قاقله
کبار و اشنه و ورق قرنفل و کاوزبان و زنجبیل از هر یک
سه درم قرفه چهار درم جوز الطیب و سنبل الطیب و بهمن
سرخ و سفید و حصی الثعلب و نازشهک و فرنجمشک از هر یک
پنج درم عاقرقرحا یک درم مصطکی و ورق گل سرخ و مروارید
ناسفته از هر یک سه درم بسد و کهربا از هر یک یک درم عنبر اشهب
دو درم مشک ترکی نیم درم لعل یک درم یاقوت کبود نیم درم
زعفران سه درم زر ورق و نقره ورق از هر یک نیم مثقال جز و اعظم
سوده خوب سی مثقال پوست اترج سه درم سعد هندی دو
درم قند سفید یکمن و اگر بعسل خواهند نیمن شربتی بقدر حاجة
مفرح مسیحی نوعی دیگر و این نسخه منسوب است بخواجه رشید
وزیر لعل پنج مثقال و بسباسه پنج مثقال و اگر بعسل خواهند
عسل کف گرفته سی مثقال کوفته و بیخته بدان بسرشند شربتی
یک درم تا یک مثقال نافع بود انشاء الله وحده العزیز

در و مروارید ناسفته از هر یک پنج درم لسان العصافیر و زر محلول
از هر یک دو مثقال مشک ترکی نیم مثقال عود خام ده درم زعفران
یک درم مصطکی دو مثقال یاقوت کبود یک مثقال قند سفید
یکمن و اگر بعسل خواهند همین ببیل **معجون اسرار الاطباء**
این نسخه از آن مولانا اعظم مسیح الزمان شمس الملة والدین ابن
هلال اردبیلی نور الله قبره است خاصیت این معجون بسیار است
اما مخصوص است بچند چیز که گفته شود اول آنکه باه را زیاده کند
و مجامعت و دل و دماغ را قوة دهد و نشاط زیاده کند و قضیب
محکم دارد و گونه روی نیکو گرداند و استعمال کنند بعد از مجامعت
تا از عرق النسا و نقرس و نقصان مجامعت و نقصان منی و از
جمله مرضها عصبانی ایمن گردد شربتی از سه درم تا سه مثقال نافع
بود باذن الله تعالی **صنعته** ششقاقل و خولنجان و خصی
الثعلب و بهمن سرخ و سفید و دوح و تودری سرخ و سفید و لسان
العصافیر از هر یک سه درم سقنقور سه مثقال حب الغار
و حب البلسان و فلفل سفید و مغز تخم خیارین و تخم حرحر و تخم

گزر و تخم گندنا و تخم پیاز و تخم شلغم و تخم اسبست و خشخاش سفید
و خسک دانه و تخم ترب و تخم شبت و تخم جرجیر شامی که انرا مراد
دو قواست و تخم هلیون و خسک مرزی از هر یک دو درم نارجیل
و مغز بادام و مغز پسته و مغز حب صنوبر کبار و مغز حبة الخضرا
و مغز حبة القطن و کنجد مقشر از هر یک هفت درم دارچینی
و قرنفل و سنبل الطیب و اسارون و بسباسه و کبابه چینی و
سعد کوفی و دارفلفل و قرفه و جوز الطیب و نار مشک و عود
خام و عنبر اشهب و زعفران از هر یک یک مثقال مشک ترکی
دانگی و نیم زنجبیل و بوزیدان و قسط شیرین و مغز حب الزلم
و درونج عقربی از هر یک دو درم ادویها باهم بکوبند و مغزها باهم
بکوبند و عنبر و مشک و زعفران باهم بعد از آن با سه چندان
عسل کف گرفته بسرشند و در ظرفی کاشی یا چینی نگاه دارند
و این معجون در این خواص که ذکر کرده شد آزموده است و مجرب
معجون سقنقور نوعی دیگر مؤلف این کتاب گوید که از
معاجین که جهة باه ترکیب کرده اند بسیار است اما بهتر از این

الباب الثانی فی المعاجین معجون سقنقور خاصه مستعمل
املاء المولی الاعظم الاعلم بقراط العهد جالینوس الوقت معین
الملة والدین طبیب رحمه الله باه را قوت می دهد و نشاط را زیاده
کند و کرده و پشت و دل و دماغ را قوة دهد و نعوظ تمام اورد
صنعه اخلاط آن ششقاقل بهمن سرخ و سفید و بوزیدان و سورنجان
مصری و بسباسه قرنفل و قضیب گاو جوان خشک کرده و سوده
و مغز حب الزلم و مغز جلغوزه و مغز حبة الخضرا و مغز نارجیل
و لسان العصافیر و خولنجان و قاقله کبار و تخم شلغم و دار فلفل
نارمشک و فرنجمشک و صندل سرخ و سفید و تخم خشخاش سفید و گاو
زبان و ورق گل سرخ و بادرنجبویه و تخم هلیون و اسارون و قرفه
و درونج عقربی و حصربوا و گل قرفه و ورق قرنفل و جوز بوا
و اشنه سفید و عود خام از هر یک پنج درم تودری زرد و سرخ
از هر یک چهار درم سُرۀ اسقنقور پانجده مثقال خصی الثعلب
و زعفران از هر یک پانجده درم کبابه و زنجبیل و سعد هندی و درونج
و تخم بادرنجبویه و زرنباد و مصطکی و کرفس و تخم گزر و تخم اسبست

و ساذج هندی و حجر یشب و کهربا و بسد و زر محلول و نقرهٔ
محلول از هر یک سه درم لؤلؤ ناسفته پنج درم عنبر اشهب
ده درم مشک ترکی یک مثقال نیم سنبل الطیب ده درم لعل
یک درهم نیم یاقوت زرد یک درم جز و اعظم خوب سوده صد
مثقال عسل بقدر حاجة معجون لبوب کواهی این نسخه هم
املاء بندگی مخدوم مولانای اعظم سعید رحمه الله است منی بیفزاید
و کرده و پشت را قوة دهد و نشاط تمام آورد صنعة ان
مغز پسته و مغز فندق و مغز باذام و مغز جلغوزه و مغز بن و مغز
حب الزلم و مغز کردکان و مغز حب فلفل و کنجد مقشر و دار
چینی و ششقاقل و بهمن سرخ و تودری سرخ و سفید و مغز دماغ
کنجشک و بیخ بابونه و خسک عربی و عنبر اشهب از هر یک پنج
مثقال مغز نارجیل و خصی الثعلب و بهمن سفید از هر یک ده
مثقال خشخاش سفید و زرنباد و زرسب و زنجبیل و قرنفل
و بسباسه و تخم بادرنجبویه از هر یک سه درم خولنجان و قضیب گاو
و بوزیدان و نقرهٔ محلول از هر یک سه مثقال گاوزبان و فلنجمشک

باشد و نظیر ندارد صنعه و اخلاط او ششقاقل مصری و بهمن
سرخ و سفید و بوزیدان و بسباسه و کبابهٔ چینی و قرفه و خولنجان
و لسان العصافیر و قاقله کبار و صغار و سنبل الطیب و فرنجمشک
و نارمشک و قرنفل و مصطکی و ساذج هندی و عنبر اشهب
و مروارید ناسفته از هر یک سه درم خصی الثعلب ده درم سُرۀ
سقنقور پانجده درم قضیب گاو خشک کرده پنج درم عود خام
و تخم هلیون و زعفران از هر یک پنج درم سعد و زنجبیل بسد و کهربا
از هر یک دو درم مشک ترکی نیم درم لعل یک درهم نیم یاقوت زرد
یک درم زر محلول و نقرهٔ محلول از هر یک نیم مثقال خشخاش ده درم
جز و اعظم خوب اعظم سی مثقال روغن باذام ده درم قند سفید
یکی با عسل بکنی هر کدام که باشد شربتی یک درم یا یک مثقال
بقدر حاجة معجون سقراط حکیم و این معجون را مفرح مجرب
خوانند و این نسخه حُنَین بن اسحق از زبان یونانی بعربی نقل
کرد و بحضرة مامون خلیفه فرستاد و این معجون را خاصیت بسیار
است امراض بلغمی و سوداوی و ضعف قلب و جنون و نسیان

و وسواس و فکر و سعال قدیم و سل و دق و صرع و بهق و برص
و ختف دماغ و نقرس و مفاصل و درد معده و جراحات و
دمامیل و داء الحیه و داء الثعلب و داء الفیل و عتب و ربع
و یرقان و صداع و بواسیر و زحیر و درد جگر و سپرز و تاریکی
چشم را زایل کند و باه را زیاده کند و خاصیت این معجون در یک
دسته کاغذ نبشته بودند اینجا کوتاه کردیم صنعته حیطانا
رومی و فرد مانا و نارمشک و بزر سحکست و حب الغار و زراوند
طویل از هر یک یک درم انیسون و حند بیدستر و حب بلسان و عود
بلسان و اسارون و سلیخه و مصطکی از هر یک یک درم نیم قرمکی و وج
و زرنباد و درونج عقربی و تخم از هر یک دو درم زعفران و جوز بویا
و قرنفل و ریوند چینی و قاقله و بسباسه و اشنه و دارچینی و سنبل
الطیب از هر یک سه درم بادرنجبویه پنج درم صبر اسقوطری ده درم
تربد سفید مجوف خراشیده بیست و پنج درم عود خام دوازده درم
لک مغسول و ورد احمر از هر یک پنج درم سعد سفید و حب محلب
از هر یک چهار درم هلیله سیاه و بلیله و امله از هر یک شش درم

تخم خرس وتخم خیار بیاز وتخم کندنا از هریک دو درم زرنب وقاقله
وشیطرج هندی واسقیل سوی از هریک سه درم مجموع کوفته
وبیخته بروغن باذام تلخ چرب کرده با سه چندان عسل کف
گرفته بسرشند ودر ظرفی ابگینه کنند وشش ماه درمیان جو
نهند وبعد ازان استعمال کنند وچندان که کهن تر گردد بهتر
شود شربتی از دو درم تا هفت درم استعمال کنند باحتیاط
معجون لولوئی این نسخه ازان جالینوس است واین معجون را
هفت خاصیت است قضیب راسخت کند واوعیه را بگشاید و
اعصاب دماغی راقوت دهد وشهوت زیاده کند ودر خون
تغیری عظیم پیدا کند چنانچه بلذت منی هرچه تمامتر بیرون
آید ونعوظ بسیار آرد ودوستی مرد در دل زن زیادت کند
صنعة آن مروارید ناسفته وبسد از هریک یک مثقال انیسون
وبهمن سفید از هریک یک درم کالبح واصل لبلاب از هریک
نیم مثقال تفاح اذخر وسعد وکرمارک از هریک نیم درم سلیخه
ودارچینی واسارون ومصطکی از هریک دانگی ونیم صمغ عربی

وکثیرا از هریک دانگی باهم چندان عسل کف گرفته بسرشند
ودر ظرفی ابگینه کنند ودر وقت خواب وهنگام مجامعت
یک مثقال باب فاتر بخورد واین بغایت است در انچه ذکر رفت
ومجرب **معجون عطائی** این نسخه ازان مولانا مرحوم مغفور صدر
الملة والدین عطا تبریزی علیه الرحمة والغفران است واین
معجون جهة دفع سرعت انزال نظیر خود ندارد ومجربست
وآزموده ونافع **صنعة آن** لبان ذکر وعلک رومی وحفت
بلوط وبزر الغب از هریک ده درم عسل دو وزن ادویه را
بدکه حفت وشهد انه باهم بکوبند وبیزند وعلک ولبان باهم و
معجون ساده شربتی دو مثقال غذا دو نوبت کباب بود **نوع دیگر**
از معاجین که همین خاصیه دارد ومتعلق مؤلف کتاب
بلوط وکلنار وشونیز ولبان ذکر از هریک ده درم کمون کرمانی
ونانخواه وکرویا از هریک پنج درم پوست بلیله وپوست هلیله
زرد وآمله مقشر وهلیله سیاه از هریک سه درم کشنیز خشک
ده درم مجموع کوفته وبیخته با سه چندان عسل کف گرفته بسرشند

شربتی دو مثقال بامداد وشبانگاه همچنین غذا دو نوبت کباب
مناسب باشد **این معجون منسوب بخواجه رشید وزیر**
که منع تقطیر بول می کند ودفع سرعت انزال نیز مدخلی
تمام دارد **صنعة آن** کبابه چینی وفوفل وسنبل الطیب وخصی
الثعلب ومصطکی ونانخواه از هریک سه درم عسل سه وزن ادویه
شربتی یک مثقال یا دو درم مناسب باشد وغذا کباب باآب گوشت
مناسب باشد یا زردهٔ تخم مرغ نیم برشت **معجون لبوب کبیر نسخه**
مؤلف کتاب خاصیت این معجون انست که دل ودماغ راقوت
دهد ونشاط زیاده کند ومنی بیفزاید وگرده وپشت محکم گرداند
وقضیب سخت کند ونعوظ تمام آورد ودر مجامعت قوتی هرچه
تمامتر دهد چنانچه تابغایتی بود که مفعول بگریزد **صنعته**
مغز باذام ومغز فندق ومغز پسته ومغز حب فلفل ومغز
حبة الخضرا ومغز گردکان ومغز نارجیل ومغز دانه امرونک
که آنرا بپارسی انجلک خوانند ومغز چلغوزه ومغز تخم خربزه ومغز
حب الزلم ولبخد مقشر وخشخاش سفید از هریک ده درم

وکبابه ودار فلفل وکندر از هریک دو درم بهمن سرخ وسفید
وتودری سرخ وزرد از هریک چهار درم خسک مربی وتخم گزر
وتخم شلغم وتخم پیاز وتخم انجره از هریک دو درم عسل سه وزن
ادویه شربتی یک مثقال نافع بود **معجون لبوب نوع دیگر**
خاصیت وی انست که گرده راقوة دهد ونعوظ تمام آرد و
منی را بیفزاید **صنعته** مغز باذام ومغز پسته ومغز فندق
ومغز چلغوزه ولبخد مقشر از هریک ده درم تخم هلیون وششقاقل
از هریک شش درم تودری سرخ وسفید بهمن سرخ وسفید
از هریک سه درم تخم شلغم وتخم ترب وتخم پیاز وتخم انجره وتخم گزر
ولسان العصافیر از هریک دو درم تخم اسپست وقند سفید از
هریک بیست درم عسل سه وزن ادویه شربتی یک مثقال تا دو
مثقال **معجون لبوب نوع دیگر** که منی زیاده کند ونعوظ تمام
آورد ونعوظ قوت دهد ومحرور مزاج رابغایت سودمند بود
صنعته مغز باذام ومغز فندق ومغز چلغوزه ومغز بن ومغز
نارجیل ومغز حب الزلم ومغز حب فلفل ونارمشک از هریک

دودرم نیم فانند سه وزن داروها فانند را با قدری آب
نکه ازند واد ویه کوفته بیخته بدان بسرشند و مغزها جدا
کرداند کوفته باهم بسرشند ومرکب باید که معلوم کنند که فانید
را در کتاب مراد جیست فانید را کعب الغزال مراد است
وآن فانید که آرد دران باشد می باید که قطعا مستعمل نکنند
وصنعت فانید صاحب منهاج گفته است **معجون لبوب**
نوعی دیگر خاصیت وی آنست که عروق را نیز کرداند و
قضیب سخت کند وهم محرور مزاج را شاید بود **صنعته**
مغز نارجیل ومغز جلغوزه ومغز بادام ومغز حب الزلم ومغز
بن ومغز پسته و کنجد مقشر وشقاقل مصری وخشخاش سفید
وتودری زرد وسرخ وبهمن سرخ وسفید از هر یک پنج درم کوفته
وبیخته هرچه ادویه خشک باشد جدا کرداند وهرچه لبوب
باشد جدا کرداند کوفته بوزن مجموع قند کوفته اضافة کنند
وباب ترنجبین معجون کنند شربتی ده درم باشد وبغایتست درین
باب **معجون مقوی للباه مستعمل** این معجون در امر جماع سخت

فعلی عجب می کند ودرین باب بغایت است **صنعته و**
اخلاطه تخم گزر وتخم شلغم وتخم پیاز وتخم ترب وتخم اسپست
وتخم جرجیر وتخم هلیون ومغز جلغوزه ومغز حب فلفل
ومغز حب الزلم وسورنجان وقسط شیرین وتودری
سرخ وزرد ولسان العصافیر وشقاقل وبهمن سرخ
وسفید ودارفلفل وحب الرشاد وحلبه وقرفه از
هر یک شش درم کوفته وبیخته بعسل کف گرفته بسرشند
وشربتی سه درم باشیر تازه بیاشامند وبعضی بشراب
نوشیرین بیاشامند **معجون فلاسفه ودارد** نیز خوانند واین
معجون منسوبست بفیلسوفان بلغم را دفع کند ومقوی نفس
ومفرح بود وقوة هاضمه بدهد واشتها باز دید کند وحفظ
بیفزاید ودهن را سر کرداند وسردی وچکیدن کمیز دفع
کند وبادها بشکند ومنی بیفزاید وقضیب را محکم دارد
ودرد مفاصل ودرد پشت عظیم سودمند بود ودندانرا

محکم دارد وخاصیت این معجون بیش از حد است چنانچه
اگر نوشته شود یک دو ورق در نگنجد ومخصوص است
بلغمی مزاجان **صنعته** فلفل ودارفلفل وزنجبیل ودار
چینی وپوست بلیله وآمله مقشر وشیطرج هندی وزراوند
مدحرج وعروق بابونج ومغز جلغوزه وخصی الثعلب ومغز
نارجیل از هر یک ده درم بابونج پنج درم منقی سی درم
عسل کف گرفته سه وزن ادویه وجد بعضی نسخها را رباح
پنج درم می کنند **معجون یاقوتی ودار** که آنرا جوارش مفرح خوانند
ومفرح گندی نیز گویند واز معاجین هندی است بیش از
طعام وبعد از طعام شاید خوردن معده را قوت دهد وغذا را
هضم کند ورنگ روی را سرخ دارد وبوی دهان خوش کند
وجگر را قوت دهد واز معاجین بزرگ است **صنعته** ورق
گل سرخ شش درم سعد کوفی پنج درم قرنفل ومصطکی و
اسارون از هر یک سه درم هیل وقاقله وبسباسه وجوز الطیب

وقرفه وزعفران وسنبل الطیب وزرنب از هر یک دو درم شیر
آمله یک رطل در سه رطل آب بجوشانند که آنرا کعب الغزال است
بقوام آورند وداروها بدان بسرشند واگر بعسل کنند یا قند شاید
وقدری مشک اضافة کنند وبعضی مرمشکی ومروارید ناسفته
وساذج هندی از هر یک دو درم اضافة می کنند شربتی دو مثقال
ونیم مفید بود ونافع بود **معجون انقروبا کبیر مستعمل** که آنرا بلادری
بزرگ خوانند سودمند بود جهت فالج ولقوه وصرع وتریاقیست
بغایت که از سردی بود وباه را قوة دهد تمام چنانچه بلغمی مزاج را
نفع معجون در امر باه به ازین مفید نیفتد ومجربست واز سوده
صنعته عاقرقرحا وشونیز وقسط وفلفل ودارفلفل ووج
از هر یک ده درم ورق سداب وخطاطا رومی وحلبه وزراوند
مدحرج وحب الغار وحند سنترو وشیطرج هندی وخردل
از هر یک پنج درم عسل بلادر چهار مثقال نیم داروها کوفته وبیخته
بروغن کرده کان چرب کند وبا سه چندان عسل کف گرفته بسرشند
شربتی یک درم یا یک مثقال وهرچند کهن شود بهتر باشد

خشخاش صمغ عربی [illegible]
[illegible] السعی [illegible] کاهو
زعفران [illegible] از هر یک [illegible]
افیون از [illegible]
کوفته وبیخته [illegible]
[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
معجون [illegible]
[illegible]

وموٴلف کتاب کوید که من جهة قوه باه کسانی که بلغمی مزاج بوند
این معجون را کفتم واستعمال کردند وبغایت بسندیده است
ودر قوة حفظ وذهن ودفع نسیان وفالج ولقوه ومه رنجها که از
سردی بود سودمند است بغایت **معجون اثنروا صغیر متعمل**
خواص این نزدیکست بخواص کبیر وشربتی ازوی یک درم یا یک مثقال
بود **صنعته** هلیله سیاه وپوست بلیله وآمله مقشر از هر یک
ده درم سعد کوفی وسنبل الطیب وکندر دکرووح وفلفل سیاه
وزنجبیل وعسل وبلادر از هر یک بنج درم داروها کوفته وبیخته بروغن
کودکان چرب کنند وباسه چندان عسل کف کرفته بسرشند وبوقت
حاجت استعمال کنند که نافع است **معجون اثاناسیا کبیر** سودمند است
جهة مرضهای جکر ودرد شکم وریشهای روده وسبرز ودرد عصبها را
سودمند بود ودرد کرده وعسر النفس وسرفه را که از کثرة رطوبة
که در سینه جمع شده باشد نافع بود وقطع نفث دم می کند وسودمند
بود وبناسور جون طلا کنند بران وبعد از شش ماه استعمال کنند شربتی
نیم درم که نافع بود **صنعته** زعفران ومر وفرد ماما وخشخاش سیاه

بود

وسنبل الطیب واصل عافت وعصاره عافت وجکر کرکی وسرو
کوسفند کوهی سوخته از هر یک ده درم کوفته وبیخته در مثلث خولسان
وبعد از آن باسه چندان عسل کف کرفته بسرشند ودر ظرفی کاشی
یا چینی یا آبکینه یا قلعی کنند وبوقت حاجت استعمال کنند **معجون اثاناسیا**
صغیر متعمل سودمند بود درد جکر وسرفه ودرد معده وبادها ورشس
سینه جهت دفع سموم هوام بغایت سودمند بود **صنعته**
سعد سالیخه یا بسباسه ومر وزعفران وقسط مر وسنبل الطیب وعیدان
بلسان وافیون وسلیخه از هر یک بنج درم عصاره عافت ده درم تخم
مهک خراشیده با بنجاه درم کوفته وبیخته باسه چند ان عسل کف کرفته
بسرشند شربتی نیم درم وبعد از شش ماه استعمال کنند که نافع است
معجون فلافلی نسخه صاحب کامل جهة دفع تب ربع نافع بود
صنعته فلفل سیاه وسفید ودار فلفل از هر یک بیست درم عود
بلسان ده درم زنجبیل وتخم کرفس وسلیخه وسنبالوس واسارون وراسن
از هر یک یک درم سنبل وحاما از هر یک جهار درم کوفته وبیخته باسه چندان
عسل کف کرفته بسرشند **معجون افلونیا رومی متعمل** سودمند بود جهة

عود

قولنج وعسر البول وسبرز وسنبل وتشنج ودرد جکر سودمند بود
ودرد دندان جون بروی نهند ساکن کرداند وسرفه وخناق زایل
کند **اخلاط آن** افیون ده درم فطر اسالیون وسنبل الطیب از هر یک
جهار درم تخم کرفس سطی سه درم ساذج هندی وسلیخه وعاقرقرحا
وحب بلسان وفرفیون از هر یک یک درم داروها کوفته وبیخته بروغن
بلسان جرب کرده باسه جندان عسل کف کرفته بسرشند وبعد از
شش ماه استعمال کنند شربتی مانند یک نخود از بهر قولنج حل کرده
بآب کرفس دهند وبعضی از اطبا بدل تخم کرفس دوقو می کنند
وقوت این معجون از سه ماه تا سه سال می ماند **معجون افلونیا پارسی**
سودمند بود قولنج را وجرب زمان وبادها وذهن ودماغ را نقصان
دهد **صنعته** فلفل سفید وبزر البنج از هر یک بیست درم افیون
ده درم زعفران بنج درم وبعضی از اطبا طین مختوم ده درم میکنند
وسنبل الطیب ومر وعاقرقرحا وفرفیون از هر یک دو درم صندل با
دستور یک درم زرنباد ودرونج عقربی از هر یک نیم درم مروارید ناسفته
ومشک ترکی از هر یک نیم مثقال کافور دانکی ونیم مجموع کوفته وبیخته

باسه جندان عسل کف کرفته بسرشند وبعد از شش ماه استعمال کنند
وهرچند کهن تر شود بهتر باشد وقوت این معجون همین قدر می ماند
که فلونیا رومی تا سه سال **معجون بوشعثا متعمل** جهة درد دندان جون
بروی نهند عظیم نافع بود وجهة قولنج نیم درم فرو بردن اثری تمام
دارد ووجعها ساکن کرداند **صنعته** این نسخه بیشتر مستعمل است
که نسخه حکیم ابو البرکات واین نسخه منسوبست بشیخ الرئیس علیه الرحمه
والغفران فلفل سفید وبزر البنج از هر یک بیست مثقال افیون ده
مثقال زعفران بنج مثقال سنبل الطیب وعاقرقرحا وافربیون از
هر یک یک مثقال مجموع کوفته وبیخته با دو چندان عسل کف کرفته
بسرشند وبعضی سورنجان می کنند وبعد از شش ماه استعمال کنند **نوعی دیکر معجون بوشعثا**
مستعمل سودمند بود جهة مرضهای قلبی از همه نوعی ودرد معده
که از باد کرم بود وسرد ومراری وسوداوی ووسواس ومالیخولیا واستسقا
ونی خوابی سودمند بود خاصیت این بسیار است وصاحب منهاج هم
کفته است خواص آن سبب آن که دراز کرده ایجا کوتاه کردیم **صنعته**
فلفل سفید وفاشرا وفرنجمشک وعود وبزر البنج ازرق از هر یک بنج درم

وقطع خون کند

صنعت آن

زعفران وزراوند طویل وصنطیا نا رومی و بصل الفار مشوی کرده
وخشک کرده چنانچه شرط است وجدوار از هر یک چهار درم حب
الغار وافیون ومر از هر یک هفت درم عاقرقرحا وسنبل الطیب
ونادرین از هر یک دو درم جندبیدستر وافربیون از هر یک یک درم
کوفته وبیخته با دو چندان عسل کف گرفته و بعضی با سه چندان
میکنند بسرشند و بعد از ان که سرشته باشند در هاون کنند و تمام
بکوبند و بعد از ان در ظرف آبگینه یا چینی کنند و سر آن محکم دارند
و تمام بکوبند بعد از شش ماه مستعمل کنند که نافع و مجربست و آزموده
معجون بوشغا نوعی دیگر مرصافی وزعفران ولبنی وکمادریوس وحنطیانا
تخم زراوند
وجوف از هر یک ده درم طین مختوم وافیون وسنبل الطیب وصمغ
عربی وجندبیدستر وغاریقون از هر یک سه درم اقاقیا وهوفاریقون
وفطراسالیون از هر یک ده درم قصب الذریره ودارشیشعان وحب
الغار وعصاره لحیة التیس از هر یک پنج درم زراوند طویل وریوند
چینی واسارون وحماما وجعده وروغن بلسان از هر یک سه درم نیم
هر چه صمغ وعصاره بود بگدازانند وباقی داروها کوفته وبیخته با دو چندان

عسل کف گرفته بسرشند و بعد از شش ماه استعمال کنند **نوعی دیگر معجون**
بوشغا مستعمل حنطیانا وسلیخه ودارفلفل ودارچینی وجندبیدستر
از هر یک چهار درم سنبل الطیب وفقاح اذخر وزراوند طویل از هر یک
ده درم زعفران یک درم افیون ده مثقال انیسون وتخم کرفس وبیخ کرفس
از هر یک هشت درم فلفل سیاه بیست وسه مثقال قسط وقوه واسارون
از هر یک ده درم زنجبیل وفروج خشک از هر یک هشت درم روغن
بلسان یا روغن گل بادام یا روغن گل سرخ از هر کدام که باشد ده درم
عسل دو وزن ادویه بعد از شش ماه استعمال کنند وخاصیت این بسیار
است سبب آن اینجا نگفتیم **معجون انفع** واین معجون از جمله مفرحات است
واز معاجین کبار است وبعضی اطبا این معجون را از تریاقات شمرده اند
صنعته قرنفل وزنجبیل وفوفل وسنبل الطیب ودارفلفل
وخیربوا وجوز بویا وقاقله کبار وشطرج هندی ودارچینی وساذج
هندی ولسان العصافیر ودرونج عقربی وبادرنجبویه ولسان الثور
ومصطکی وخولنجان وفرنجمشک ودرونج [illegible] وصندل [illegible] وزراوند
ومدحرج وسلیخه ویاقوت رمانی وورق گل سرخ از هر یک دو درم بسباسه

شش درم پوست اترج سه درم زعفران وپوست بلیله از هر یک یک درم
بهمن سرخ نیم درم عنبر اشهب ومشک ترکی از هر یک نیم دانگ کوفته
مجموع بغایت نرم کرده بعسل مصفی بسرشند شربتی یک مثقال
معجون زرعونی مستعمل واین معجون خاصیت بسیار دارد واینجا درنگنجد
وکوتاه کردیم وخاص است جهة باه وقوت کردن [illegible] ومنی زیاده
کند وتعوظ بسیار آورد ودل وجگر ومغز را قوة دهد **صنعته**
تخم کرفس وتخم گزر وتخم شبت وانیسون ورازیانه ومغز تخم خیار بالنگ
وبیخ کرفس از هر یک پنج مثقال بسباسه وقرنفل وفلفل موم وکبابه ومازریون
از هر یک سه درم قرفه وزعفران وکندر ومصطکی وعود از هر یک چهار
درم تخم هلیون وششقاقل وبوزیدان وبهمن سرخ وسفید وتودری
زرد وسرخ وسفید ولسان العصافیر از هر یک پنج درم زنجبیل وتخم شلغم
وتخم اسپست وتخم حرص وتخم ترب وتخم پیاز وحب الرشاد وکرنب وتخم
کندنا وخولنجان وجوز الطیب وکل قرفه ودارفلفل هر یک سه درم
بصل الفار مشوی یک درم نیم حب فلفل ومغز حب الصنوبر ومغز چلغوزه
ومغز نارجیل از هر یک پنج مثقال خصی الثعلب ذکر کاو خشک کرده

سوده ومغز نارجیل از هر یک پنج مثقال ومغز دماغ گنجشک خشک
کرده که در وقت هیجان گرفته باشند وخشک عربی وکشنیز از هر یک
ده مثقال عنبر اشهب دو مثقال درم مشک ترکی نیم درم مجموع کوفته
وبیخته مانند که آنرا کعب الغزال خوانند بوزن ادویه وعسل بوزن
مجموع معجون سازند شربتی گرم مزاج را دو درم وسرد مزاج را پنج درم
وباید که یک کاسه شیر گاو یا ده درم شکر سفید اگر گرم مزاج بود
پیش از آن که معجون تناول کند شیر وشکر بیاشامد وبعد از ان معجون
فرو برد واگر سرد مزاج بود اول معجون فرو برد ودر عقب آن
یک کاسه ماء العسل بیاشامد که مفید افتد ودر قوة باه وامر مجامعت
بهتر از این معجون نیست وبکرات مولف این کتاب خواص آن مشاهده کرده
ومجربست درین باب **معجون حجر الیهود** خاصیت وی آنست که ریگ
گرده ومثانه ویران کند **صنعته** مغز تخم خیار بالنگ ومغز تخم خربزه و
مغز تخم کدو وحب کاکنج از هر یک پنج درم حجر الیهود پنجاه درم کوفته با سه
چندان عسل کف گرفته بسرشند **معجون کاکنج مستعمل** سود کند بدرد
گرده ومثانه را **صنعته** بزر البنج ورازیانه از هر یک هفت درم

تخم خیارین پنج درم تخم حماض وافیون ومغز جلغوزه وافیون بریان
کرده ومغز فندق بریان کرده ومغز باذام بریان کرده وزعفران
از هر یک سه درم حب کاکنج بیست وپنج عدد کثیرا چهار درم مجموع کوفته
وبیخته بمثلث سرشند وبعد از شش ماه استعمال کنند نوعی دیگر معجون کاکنج
تخم کرفس ورازیانه از هر یک هفت درم مغز تخم خیار بزه ده درم بزر البنج
وتخم حماض بری وافیون ومغز جلغوزه بریان کرده وزعفران ومغز
فندق مقشر بریان کرده ومغز باذام تلخ مقشر بریان کرده از هر یک سه
درم حب کاکنج بیست وپنج عدد کوفته وبیخته بمثلث بسرشند وبعد
از شش ماه استعمال کنند وگویند این معجون را بقرص می باید ساخت وقتی
که سرشتند وشربتی یک درم باشد معجون عقرب جهت سنگ مثانه وگزندگی
عقرب بغایت نافع بود صنعت سوختن عقرب انجه در دیگ سوزند بگیرند
دیگی سبز وعقربها را دران اندازد ودیگ را در گل گیرد ودر تنوری
که چوب رز بسیار سوخته باشد آتشها را بیرون آورد ودیگ را در تنوری
نهد وسر آن یک شب بنهد روز دیگر بیرون آورد ودر ظرفی آبگینه نگاه
دارد وهرگاه که خواهد استعمال کند وبعضی گویند شش ساعت در تنور

رها کنند وبعد از آن بیرون آورد اطلاطان عقرب سوخته سه درم
حسطانا رومی یک درم زنجبیل یک درم فلفل ودار فلفل از هر یک
دو درم حب کاکنج پنج درم حب بادستر چهار درم مجموع کوفته وبیخته
بعسل کف گرفته بسرشند وبعد از شش ماه استعمال کنند بالغ را شربتی
دانگی بود ونابالغ را نیم دانگ وبغایت نافع است ومجرب معجون سجرسا
متعمل واین معجون را از تریاقات شمرده اند واز معاجین کبار
است خاصیت وی آنست که سودمند بود درد معده وسوء الهضم و
قولنج وعسر البول وجمله مرضهای بلغمی وبادهای غلیظ وبغایت مجرب
صنعته حب بلسان وجند بیدستر وافیون ودارچینی واسارون ومو ودوقو
از هر یک یک مثقال مر وفلفل ودار فلفل وقنه وقسط از هر یک شش مثقال
مجموع کوفته وبیخته بعسل کف گرفته بسرشند شربتی از دانگی یا یک مثقال
وبعد از شش ماه مستعمل بود نوعی دیگر بیاخذ جند بیدستر ودارچینی
وفو ومو ودوقو واسارون از هر یک یک مثقال کوفته وبیخته باشند چندان
عسل کف گرفته بسرشند وجمله درم مثلث ودانگی ونیم زعفران اضافه
کنند وشربتی از دانگی تا دو مثقال شاید واین نسخه مانند اکرو سیا است

زعفران یک مثقال
صح

واستعمال کنند معجون قفی سودمند بود سرفه ودرد جگر ومعده
وآواز صافی کند وبول براند ودرد سپرز زایل کند وصورا بغایت
سودمند بود صنعته سوسن سقی یا کمتر بیست وپنج درم
زعفران وسنبل الطیب وسلیخه رومی ودارچینی ودار شیشعان از هر یک
یک درم قصب الذریره وتفاح اذخر ومقل ازرق وعلک البطم از هر یک
دو درم نیم مرصافی چهار درم صمغها وسوسن در مثلث خیسانند وباقی
ادویه کوفته وبیخته با سه چندان عسل کف گرفته بسرشند شربتی یک درم
یا یک مثقال معجون مومیس سودمند است درد معده ومفاصل وصلابه
جگر وسپرز واستسقا ورطوبه ونقرس واین معجون مخصوص است بنقرس
خاصه در موسم بهار صنعته عاقرقرحا واسارون ووج وفودنج
وتخم سداب وفرفیون وخولنجان از هر یک هفت مثقال زراوند
طویل واصل عرطنیثا وناخواه وقرنفل از هر یک چارده مثقال جعده
وفراسیون از هر یک بیست درم کمافیطوس وکمادریوس واسقولوقندریون
از هر یک هشتاد درم کوفته وبیخته با سه چندان عسل کف گرفته بسرشند
شربتی یک مثقال باب گرم دهند وبعد از شش ماه مستعمل بود معجون اسطمحیقون متعمل

... مثقال حسطانا جعل
... سنبل الطیب ...
... وقطر اسالیون از هر ...
صح

سودمند بود جهت تباهی مزاج وسردی معده وضعف آن صنعته
آن قسط تلخ وسنبل الطیب وعاقا وسلیخه ومصطکی از هر یک
دوازده درم فلفل سیاه وزراوند طویل وتخم شبت وانیسون
وناخواه وکمون کرمانی ودوقو وفطراسالیون وسیسالیوس
واسارون وفسیس رومی واحداق سیاه وبوده صحراوی و
نعناع خشک وتخم جرجیر از هر یک چهار درم کوفته وبیخته با سه چندان
عسل کف گرفته بسرشند شربتی یک درم باب معجون قباد الملک
خاصیت این بسیار است سودمند است وجع مفاصل ونقرس
ودردان ساکن گرداند واثار زحمة این بود سودمند است درد
سپرز وبادهای غلیظ را وتبها کهنه وقولنج دفع کند وسنگ بکشاید
وسنگ گرده بگدازاند وضیق النفس وسرفه کهن وریش روده
وتاریکی چشم ودرد گلو زایل کند وهر که دو روز بخورد صحت بدن
نگاه دارد وشربتی یک درم واین معجون را بعد از شش ماه استعمال
می کنند وقوة این معجون تا سه سال می ماند صنعته واخلاطه
حسطانا رومی واسطوخودوس وفرد ماما وحاشا وشیر دکما سطوس

و تخم سداب و فراسیون و اسقوردیون و سعد سائله از هر یک
پنج مثقال مر و زعفران و قسط و فلفل سفید و اذخر و سنبل
الطیب و فربیون و پوست بیخ لفاح و اشق و پودنه کوهی و تخم
رازیانه و تخم جرجیر و ورق گل سرخ و ناردین اقلیطی و حب
بلسان مصری از هر یک سه مثقال دارچینی هشت مثقال سلیخه
شانزده مثقال و عصاره غافت و کاشم و تخم حب قوقی و صمغ
بادام از هر یک سه مثقال دارصینی هشت مثقال افیون و نورالبیح
سفید از هر یک شش مثقال صمغها و عصاره در شراب خوشبو نند
و باقی ادویه کوفته و بیخته با سه چندان عسل کف گرفته بسرشند
شربتی یک درم بود و در ظرفی ابگینه کنند و بعد از شش ماه مستعمل
کنند **معجون قیصر** سودمند است خفقان و صرع و درد معده
که از سردی بود و سده بکشاید و در خون تغیری عظیم پیدا کند
و هاضمه را قوه دهد و فواق سخت زایل کند **صنعته** حب الغار
و رب السوس و سلیخه و قسط تلخ و فلفل سیاه و امیون و منعه
و زعفران و سنبل الطیب از هر یک سه درم جاوشیر یک درم سکل

شنگی دانگی زرنباد و درونج عقربی و مروارید ناسفته از هر یک
نیم درم کوفته و بیخته با سه چندان عسل کف گرفته بسرشند
شربتی سه دانگ خوردن نافع بود **معجون سداد بیفون کبیر**
زعفران و کاشم و تخم کرفس و زنجبیل و حاشا و مغز جلغوزه از هر یک
شش درم فلفل و قرنفل و گل قرفه و جوز الطیب و دارصینی
از هر یک سه درم وج و انیسون و عود الصلیب از هر یک پنج درم
عسل سه وزن ادویه نافع بود **نوعی دیگر از معجون مسهل**
جهت باد ها و سردی معده سودمند بود بغایت **صنعته** زعفران
و کاشم و تخم کرفس و زنجبیل و حاشا و مغز حب صنوبر کبار مقشر
از هر یک شش درم مغز بادام مقشر و کندر ذکر از هر یک دو درم فلفل
هشت درم کوفته و بیخته با عسل کف گرفته بسرشند و باید که عسل
سه وزن ادویه باشد و مجربست **معجون امروسیا** دو قوه کمون
کرمانی و عیدان بلسان و سلیخه رومی و قردمانا و فقاح اذخر و تخم
کرفس از هر یک یک درم دار فلفل و قسط تلخ و فلفل سفید از هر یک
نیم درم مرصافی سه درم حب الغار ده عدد وج و زعفران از هر یک

مفیدست ضعف جگر
طحال آرا و صلابت ادرار
و بول براند و عقیقت
نکنه از کرده و سنگ
ابتدا استسقا عطش

دو درم مجموع کوفته و بیخته با سه چندان عسل کف گرفته بسرشند
شربتی یک مثقال با آب گرم دهند و قوة این معجون از دو ماه تا
یک سال و نیم و کوشند قوة این معجون تا سه سال می ماند **معجون تربد**
مسهل سقمونیا برورده ده درم تربد مجوف سفید خراشیده
صد درم خیربوا و قاقله و زنجبیل و دارصینی و قرفه و نارمشک
و قرنفل و فلفل از هر یک پنج مثقال قند سفید صد درم کوفته و بیخته
بعسل کف گرفته بسرشند شربتی پنج مثقال مفید و نافع بود **معجون**
نجاح مسهل خاصه مسهل سودا است و بلغم لزج و خلطهای غلیظ
صنعته هلیله سیاه و پوست بلیله و پوست هلیله کابلی و آمله
مقشر و افتیمون از هر یک ده درم اسطوخودوس و سعاتر و برگ سفید
مجوف از هر یک پنج درم غاریقون سه درم حجر لاجورد و حجر ارمنی مغسول
از هر یک دو درم نیم سقمونیا سه درم عسل کف گرفته صد و پنجاه درم
نافع بود **نوعی دیگر از این معجون** هلیله سیاه و پوست بلیله و آمله
مقشر از هر یک ده درم اسطوخودوس و امیون و سعاتر و تربد سفید
مجوف خراشیده از هر یک پنج درم کوفته و بیخته بعسل کف گرفته بسرشند

نسخه بعضی حجر لاجورد و غاریقون از هر یک یک مثقال اضافه می کنند **معجون**
نجاح از کامل الصناعه جهت مالیخولیا و ماده سوداوی مفید بود
صنعته هلیله سیاه و بلیله و آمله مقشر منقی از هر یک ده درم
سعاتر و امیون و اسطوخودوس از هر یک پنج درم و اگر خواهند
بقوة تر بود غاریقون و حربق سیاه و سقمونیا بقدر حاجت زیاده
کنند مجموع کوفته و بیخته با عسل کف گرفته بسرشند که نافع بود
معجون خیارچنبر تربد سفید مجوف خراشیده بروغن بادام چرب
کرده چهل درم بنفشه خشک بیست درم نمک هندی و رب السوس
از هر یک هفت درم رازیانه و انیسون و مصطکی از هر یک پنج درم
سقمونیا ده درم عسل خیارچنبر صد درم روغن بادام چهل درم
داروها کوفته و بیخته و باید که سقمونیا با بنفشه سحق کرده باشند
و اینجا شرط است سقمونیا در همه معاجین باید که مشوی باشد و در
اینجا مصطلح آنست که با بنفشه سحق کنند و این صنعت باید که مرکب
دانند مجموع داروها کوفته و بیخته بروغن بادام چرب کنند و بعسل
خیارچنبر بسرشند و عسل صد درم و شکر صد درم بقوام آورده

برسر آن کنند و معجون سازند و باید که عسل خیارچنبر آتش ندیده
باشد شربتی پنج مثقال یا هفت مثقال مستعمل و نافع بود **معجون**
خیارچنبر از اصول انزاکت و این نسخه سقمونیا زیاده از قانون است
و این نسخه مستعمل مؤلف نیست **صنعتش** تربد سفید مجوف خراشیده
بروغن بادام چرب کرده و بنفشه از هریک چهار درم رب السوس
نه مثقال نمک هندی هفت درم مصطکی و انیسون و رازیانه از هریک
پنج درم سقمونیا شوی پانزده مثقال روغن بادام بیست مثقال غانید
مکرانی و عسل نلوس خیارچنبر از هریک صد درم شربتی پنج مثقال
نافع بود **معجون سورنجان** مخصوص است بدردها نقرس و مفاصل
و عرق النسا و درد پشت **صنعتش** سورنجان مصری سی
مثقال فلفل سیاه و دارفلفل و ورق حنا از هریک دو مثقال کمون
کرمانی و شیطرج از هریک دو درم پوست بیخ کبر دو مثقال ملح نفطی
دو مثقال و نیم کف دریا دو مثقال تربد سفید مجوف خراشیده بروغن
بادام چرب کرده چهل درم زنجبیل هفت درم بوزیدان پنج درم
سقمونیا پنج درم پوست هلیله زرد پنج مثقال کوفته و بیخته باسه چندان

عسل کف گرفته بسرشند شربتی هفت مثقال **نسخه دیگر از اصول**
انزاکت مستعمل سورنجان مصری شش درم ماهی‌زهره و کمون کرمانی
و پوست بیخ کبر و شیطرج هندی از هریک دو درم پوست هلیله
زرد هفت درم تخم کرفس و نمک هندی و ورق حنا و کف دریا
از هریک یک مثقال ورق گل سرخ و سقمونیا و زنجبیل از هریک سه
درم تربد سفید مجوف پانزده درم فلفل سفید و رازیانه و صعتر
از هریک یک مثقال بوزیدان دو درم گشنیز خشک سه درم روغن
بادام چهل درم چهار مثقال و نیم عسل صد و پنجاه درم نافع و مجرب بود
معجون لوری مستعمل مغز تخم خربزه و مغز بادام مقشر و قند
سفید از هریک سی درم سقمونیا شوی دو مثقال نیم سقمونیا در آب
حل کنند و دارو کوفته و بیخته بران بسرشند و این مسهل صفرا است
و مجرب است **معجون بلادر نطوس مستعمل** خاصیت این معجون بسیار است
سودمند بود تباهی مزاج سرد و درد جگر و معده و سپرز و درد
گرده و رحم و حیض که بسته باشد بگشاید و قولنج بگشاید و این
مسهلی است بی مشقة و مرضها کهنه و امتلا که از بلغم لزج و غلیظ بود

بیاد دریطوس

دفع کند و نسیان و تاریکی چشم و عسر النفس زایل کند و بدن را
از خلطهای فاسد پاک کند و بدن را قوت دهد و فربه گرداند
و تعدیل در مزاج باز دید کند و بادهای سودی بشکند و سده جگر
و سپرز بگشاید و درد سینه و ضعف نفس ضیق زایل کند و سودمند
بود کسی را که رنگ زرد شده باشد از نقصان خون و سودمند آید
در حبس خون در عروق چون از سردی بود و سودمند بود در
استسقائی که از ضعف جگر باشد و سردی آن و سودمند بود جهت
درد در سر و جذام و برص و خلطهائی که در گرده و مثانه بود بگدازاند
و خلطهائی سیاه سوخته و بلغم فاسد عفن دفع کند و لقوه و رعشه و فالج
و خناق و صرع زایل کند و قوة حرارة غریزی زیادة گرداند و این
معجون را خاصیت بسیار است اینجا کوتاه کردیم و جالینوس گوید که
این معجون پیش از زمان من ترکیب کرده اند باسم ملکی که در آن
زمان بوده است و اسم آن ملک بادریطوس بوده است از ملکان یونان
شربتی چهار مثقال در مطبوخ افتیمون و غاریقون استعمال کنند **صنعتش**
صبر سقوطری بیست و پنج درم غاریقون بیست درم زعفران و دارچینی

دو درم و مصطکی و روغن بلسان و حب بلسان و فرفیون و فلفل
سفید و سیاه و دارفلفل و مر و حنطیانا و معاح ادخر و حماما از هریک
دو درم قسط و کمادریوس و اسقولوفندریون از هریک چهار درم اسارون
و سلیخه و سقمونیا از هریک شش درم سنبل الطیب سه درم مجموع
کوفته و بیخته باسه چندان عسل کف گرفته بسرشند و قوة وی تا چهار
سال باقی باشد **معجون مسیحی نسخه مؤلف** قرنفل و خولنجان و شقاقل
مصری و مصطکی و بسباسه و لسان العصافیر و عاقرقرحا و پوست
اترج از هریک پنج درم قرفه و اشنه از هریک هفت درم جوزبویا ده درم
زنجبیل و قاقله و دارفلفل و نارمشک و زعفران از هریک سه درم
سنبل الطیب ده درم عنبر اشهب یک درم مشک نیم درم پنجاه درم
جز و اعظم روغن بادام ده درم عسل یک وزن و نیم ادویه شوتی بقدر
کفایة **نوعی دیگر از معجون مسیحی** جهت هضم طعام و قوت مجامعت
و قوت پشت و گرده بغایت سودمند بود و اشتها طعام باز دید
آورد **صنعتش** عاقرقرحا شش درم فلفل سفید هفت درم
زعفران سه درم قاقله کبار ده درم قرنفل ده درم مصطکی هفت

درم قرنفه هفت درم جوز بویا سی عدد مشک ترکی نیم درم
عنبر اشهب یک درم جزو اعظم سی درم روغن باذام ده درم
قند سفید صد درم عسل بقدر حاجة نافع بوذ **معجون مسک منغص**
سوذ مند بوذ درد جگر وضعف معده وسردی آن وسده بکشاید
وتحلیل دهد اخلاط بکند **صنعت** مسک وبهلنجه وسنبل الطیب
وساذج هندی ولک منقی وریوند چینی وحنطیانا رومی از هر یک
دو درم زعفران ونانخواه وتخم کرفس ومصطکی از هر یک سه درم
عود هندی وقرنفل ومرصافی از هر یک ده درم مجموع کوفته وبیخته
با سه چندان عسل کرفته بسرشند شربتی یک درم باب کرم نافع بوذ
معجون وج سوذ مند بوذ کسی را که آب از چشم روان باشد
صنعت وج وحلبه وزنجبیل وتخم رازیانه از هر یک پنج درم کوفته
وبیخته با سه چند آن عسل کف کرفته بسرشند یک مثقال نافع بوذ
ومجرب وآزموده **معجون قسط** سوذ مند بوذ درد معده وجگر را
صنعت دارچینی هفت قسط تلخ هفت درم انیسون وتخم کرفس
واسارون از هر یک سی وسه درم کوفته وبیخته بعسل کف کرفته بسرشند

شربتی یک مثقال نافع بوذ **معجون تمری** واین غیر جوارش تمری است
وصفة آن در باب جوارش کفته شوذ جهت قولنج وعسر البول
عظیم نافع ومجرب بوذ **صنعت** خرمای بی دانه پانجه مثقال
بوره ارمنی وزیرهٔ کرمانی وزنجبیل وفطراسالیون از هر یک دوازده
درم سقمونیا مشوی پنج درم مغز باذام سفید کرده وورق سداب
خشک از هر یک ده درم وزیرهٔ کرمانی باید که یک روز در سرکه خیسانیده
باشند همه کوفته وبیخته با تمر وعسل بسرشند شربتی پنج مثقال وهمان
فعل جوارش تمری می کنند والله الموفق والمعین **الباب الثالث**
الجوارشات جوارش سقنقور منفعت کند کرده سرد را وباه
را زیادة کند ونعوظ تمام آورد وخاصیت آن بسیار است اینجا کوتاه
کردیم **صنعت** تخم هلیون وتخم پیاز وتخم کندنا وتخم شلغم وتخم انجبت
وتخم حرحر وحب الرشاد وکرنه ومغز حبة الخضرا ولسان العصافیر
ولبخذ مقشر وتخم تربزه ومغز جلغوزه از هر یک سه درم زنجبیل و
ششاقل مصری وخولنجان ودارفلفل از هر یک پنج درم دارچینی
وجوز الطیب وبهمن سرخ وسفید از هر یک دو درم سر سقنقور

پنج درم خصی الثعلب ده درم ذکر کاو خشک کرده سوده ده درم
داروها کوفته وبیخته با سه چندان عسل کف کرفته بسرشند و
ادویه جوارشات باید که خشن تر از ادویه معاجین باشد و
حروان درشت تر بوذ وفرق بیان جوارش ومعجون معین است
که ادویه معجون معین است که حریر بیخته بوذ واز آن جوارش درشت
تر بوذ وبعضی از اطبا درین نسخه اسقیل بریان کرده می نویسند
ومرکب باید که قطعا اسقیل در معاجین نکنند وممکن نبوذ خوردن
آن بسبب تلخی آن وشربتی ازین جوارش دو درم بوذ مثلث یا
ماشربان یا ما العسل یا شامند نافع بوذ ومجرب **نسخه دیکر**
از جوارش سقنقور این جوارش کسی که شهوتش منقطع شده
باشد از زن ومرد شهوتش برانکیزاند وبغایت نافع بوذ ومجرب
بوذ وآزموده **صنعت** تخم حندقوقی وششاقل مصری وتخم شلغم
وتخم دردار وتخم پیاز سفید وتخم حرحر وخشخاش وتخم کزر وکرنه وخصی
الثعلب از هر یک دو مثقال ونیم کرده سقنقور وعلک وقسط شیرین
از هر یک یک مثقال نیم فلفل سفید ولبخذ مقشر ودارفلفل وزنجبیل

وزعفران از هر یک یک مثقال مغز سرخ وسی بچه یک مثقال مغز
سر بت شیرخوار ومغز دماغ کنجشک نر که در وقت هیجان
کرفته باشند از هر یک پنج مثقال قند یک مثقال نیم خایه شبوط وکوشت
آن از هر یک پنج مثقال وشبوط نوعی از ماهی است که در دجله بغداد
می باشد واگر خایه وکوشت آن یافت نشوذ ذکر کاو خشک کرده
وذکر اسب خشک کرده از هر یک ده درم بدل آن کنند واسقیل
مشوی کفته اند یک مثقال نیم اما مولف این کتاب استعمال نمی کنند
در معاجین بسبب غایت تلخی پس تخمها بکوبند وببیزند وقند
وعلک را با پنج مثقال انکبین بکذازند ومغزها همه در هاون کنند
وبسایند وبعد از آن ادویها خمیر کنند با سه چندان عسل کف کرفته
بسرشند ودر ظرفی کاشی یا چینی یا ابکینه کنند وسر ظرف محکم کنند
وبعد از چهل روز سر ظرف بکشایند واستعمال کنند شربتی یک مثقال
با هشت مثقال آب حمص یا ماشربا وزبان یا با ما العسل یک کاسه
حل کرده با زخورند وغدا دو نوبت اسفیدباج تا نخود وبیاض
کاو بخته باشد خورند واین جوارش بغایت است در انجه یاد کرده شد

وازمجرب وآزموده ونافع **جوارش حب الحلوه مستعمل مولف** واین را
بیهوش خوانند سوذمند بوذ جهت استرخاء معده وبواسیر وتباهی
مزاج وباه رازیاده کنذ وکونه روی صافی کنذ ودفع سرعت انزال
کنذ وقتی که چهل روز متواتر استعمال کنند شربتی دو درم **صنعته**
پوست هلیله کابلی وهلیله سیاه وپوست بلیله وآمله مقشر وسنبل
هندی وسنبل الطیب وفلفل ودارفلفل وزنجبیل وسعد کوفی از
هریک ده درم تخم حرشبت وتخم کندنا ازهریک چهار درم حب
الحدید مدبر بسرکه چهارده شبانروز بعد ازان خشک کرده درسایه وبریان
کرده وباروغن بادام سحق کرده صدد درم عسل سه وزن ادویه
داروها کوفته وبیخته بذان بسرشند بعد ازان شکر ترکی دو درم
اضافه کنند ودرظرفی ابکینه یا قلعی کنند وبعد از شش ماه مستعمل
بوذ **نسخه دیگر ازین جوارش** که جگر ومعده را سوذ دارذ و
مجامعت را قوه دهذ وکونه روی صافی کنذ شربتی روز اول یک درم
روز دوم دو درم روز سوم سه درم تا هفت روز بذین طریقه زیاده کنذ
وازهفت درم بکذرانذ واین جوارش درقوت مجامعت بغایتست

صنعته پوست هلیله کابلی وهلیله سیاه وآمله مقشر وپوست
بلیله وفلفل ودارفلفل وسوس سورن مدبر بسرکه وخبث الحدید
مدبر بسرکه چنانچه ذکر درنسخه اول وکبخذ مقشر ازهریک ده
درم مجموع کوفته وبیخته بروغن کاوچرب کرده بعسل کف کرفته
بسرشند که نافع بوذ **جوارش زرعونی مستعمل** منفعت کنذ
کرده وپشت ومعده را قوی کنذ وبلغم دفع کنذ وبوی دهان
خوش کنذ وآب ازدهان رفتن باز دارذ وباذها بشکنذ وساکن
کرداند وسردی وریک ازمثانه پاک کنذ وناکواریذن طعام ببرذ وآب
پشت بیفزایذ وجگر وکرده ومغز را قوی کنذ وبقراط کویذ هرکه
درسالی سه روز ازین معجون بخورذ بهیچ طبیب محتاج نباشذ واکر
ده کنیزک دارذ همه خشنوذ کنذ **صنعته** تخم کرفس وتخم کزر
وتخم شبت وبالخواه ورازیانه ومغز تخم خربزه ومغز تخم خیار بالنک
وبیخ کرفس ازهریک پنج مثقال وعاقرقرحا وقرفه وزعفران
ومصطکی وعود خام ازهریک دو درم بسباسه وقرنفل وپنج فلفل
که آنرا فلفلمویه خوانند وکبابه ازهریک سه درم عنبر اشهب یکدرم

کوفته وبیخته باشذ چندان عسل کف کرفته بسرشند وبعد از دو ماه
استعمال کنند شربتی دو درم تا دو مثقال نافع بوذ **نسخه دیگر از جوارش
زرعونی کرم مستعمل** تخم جزر وتخم شلغم وتخم پیاز وتخم تربزه
وتخم فلیون ومغز حلغوزه ومغز حب فلفل ومغز حب الزلم
وشقاقل مصری وبوزیدان وبهمن سرخ وسفید ودانه کبر
ولسان العصافیر ازهریک دو درم طباشیر وخردل سفید وفلفل
سیاه ازهریک پنج درم روغن جوزهندی ونمشک آن مقدار که
ادویه بذان چرب کنند عسل کف کرفته سه وزن ادویه شربتی
سه درم تا سه مثقال نافع بوذ هر بامداذ بناشتا واکر وقت خواب
نیز خورذ شاید وباید که بیشتر ازان که معجون تناول کنذ بیست درم
شکر سفید با یک کاسه شیر تازه بیاشامذ تا منفعت آن تمامتر کردذ
جوارش زرعونی نسخه شیخ نجار سمرقندی این نسخه شیخ در اقرابادین
کبیر آورده استیم واین نسخه معتمد علیه است **صنعته** تخم هلیون
وشقاقل مصری وبهمن سرخ وسفید وتودری زرد وناف
سقنقور ولسان العصافیر ازهریک پنج درم زنجبیل وتخم شلغم وتخم

کزر وتخم اسپست وتخم تربزه وتخم حرحر وتخم پیاز وتخم کندنا وتخم
خولنجان وجوز الطیب ودارچینی ودارفلفل وبوزیدان
ازهریک سه درم تخم انجره دو درم اسقیل مشوی سه دو درم
آورده اما مستعمل مولف این کتاب نیست مانند که آنرا کوکب
الغزال مراد است بوزن ادویه مجموع کوفته وبیخته با سه
چندان عسل کف کرفته بسرشند شربتی یکی مثقال تا دو
مثقال واین زرعونی نزدیک است بجوارش سقنقور که ذکر
کرده شذ واکر سقنقور یافت نشوذ بدل آن دو وزن از
خصی الثعلب بالتقدیری خردل کنذ وبغایت نافع است **جوارش
جالینوس مستعمل** واین جوارش را خاصیت بسیار است همه اندامها
قوت دهذ وبوی دهن خوش کنذ وباذها بشکنذ وبسیاری
بول که سردی مثانه بوذ باز دارذ وسرفه بلغمی ببرذ وباه را
قوت دهذ ولون صافی کنذ وباذها ناصور ودیوانگی ببرذ
ودرد سر که از سردی بوذ ونقرس وقوبا وبهق سوذمند
بوذ وبواسیر وریک کرده دفع کنذ وسیاهی موی نکاه دارذ

هر که بیست و یک روز استعمال کند ازین بیماریها که ذکر رفت
ایمن کردد و بعد از ده روز که ساخته بود مستعمل باشد
صنعته سنبل الطیب وقاقله وسلیخه ودارچینی وخولنجان
وقرنفل وسعد کوفی وزعفران وفلفل سفید ودارفلفل وقسط
بحری وعود بلسان واسارون وحب الاس وقصب الذریره
وتخم ورد از هر یک دو درم مصطکی ده درم قند بوزن ادویه مجموع
کوفته و بیخته بعسل کف کرفته بسرشند شربتی دو مثقال پیش از
طعام و بعد ازان شاید خورد جوارش عطریه خاصیت این معجون
آنست که منی بسیار کرداند و مجامعت را قوة دهد و کرده و مغز را
قوی کرداند و مجرب است صنعته شقاقل مصری وقاقله
کوچک ودارفلفل وخولنجان ودارچینی وزنجبیل وقرفه از
هر یک پنج مثقال بهمن سرخ و سفید وتودری زرد و سرخ و تخم
اسپست و مغز تخم ... و تخم جرجیر و تخم پیاز و تخم خاص و تخم کرنب
و کثیرا و تخم هلیون و تخم شلغم و تخم کرفس از هر یک سه مثقال داروها
کوفته و بیخته ترنجبین سفید از خاک و تخم پاک کرده سه وزن ادویه

بجوشانند تا مهرا شود و بعد ازان فرو کیرند و از دیک بیرون
آورند و بکوبند و منخل موی بیرون کنند و نیکو عسل صافی بر سر
آن کنند و بجوشانند تا نزدیک انعقاد دیکر فرو کیرند و این
داروها کوفته و بیخته بران افشانند و بکفچه بزنند تا یکسان شود
زنجبیل ودارفلفل ودارچینی از هر یک دو درم
هیل وقاقله وزعفران از هر یک سه درم مصطکی پنج درم سقمونیا
مشوی ده درم تربد سفید مجوف خراشیده بروغن بادام چرب کرده
سی درم ازین جوارش از پنج مثقال تا هفت مثقال باب کرم جهت
قولنج نافع بود انشاء الله جوارش تمری تازه تمرهای بیرون بی
دانه پنجاه درم در دیک بطل سرکه بخیسانند یک شبانروز و بکوبند و بغربال
فرو برند و مغز بادام مقشر سی عدد بکوبند و با تمر بیامیزند و
فلفل سیاه صد دانه و زنجبیل سه درم و بورهٔ ارمنی یک مثقال و ورق
سداب و سقمونیا مشوی از هر یک نه مثقال عسل سه وزن ادویها
تمر و مغز بادام داروها بدان بسرشند و عسل کف کرفته بر سر آن
کنند و دیکر سرشته کنند و در ظرف کنند و استعمال کنند شربتی پنج

شقال تا هفت مثقال باب کرم نافع بود جوارش شهریاران مستعمل
سودمند بود سردی معده وجکر وان مسهل قولنج است خاص و
بغایت نافعست صنعته زنجبیل وقرنفل وقرفه ودارچینی
وسلیخه وسنبل الطیب وجوز بویا وهیل ومصطکی وقاقله و
حب بلسان وزعفران از هر یک چهار درم سقمونیا سه درم تربد
سفید مجوف خراشیده بروغن بادام چرب کرده هشت درم حب
النیل هشت درم قند سفید بوزن ادویه کوفته و بیخته بعسل کف
کرفته بسرشند شربتی از چهار درم تا هفت مثقال بحسب مزاج
باب کرم جهة قولنج نافع بود انشاء الله جوارش کروی مستعمل این
جوارش عنبر سودمند بود جهة معده سرد و خفقان و سوء الهضم
و درد معده و بغایت نافع است صنعته قاقله کبار و صغار
و بسباسه و دارچینی از هر یک هشت مثقال اشنه دو درم قرفه یک
درم قرنفل و زعفران از هر یک ده درم جوز الطیب پنج درم
سنبل الطیب و مصطکی و عنبر از هر یک دو درم مسک و افیون
و بزر البنج از هر یک یک درم روغن بلسان شش درم افیون

شراب تا مثلث جوشانیده حل کنند و عنبر با روغن بلسان
بکدازانند و داروها کوفته و بیخته بروغن بلسان چرب کنند
و بعسل کف کرفته بسرشند و افیون حل کرده بر سر آن ریزند
و بسرشند و در ظرفی آبکینه کنند و بعد از شش ماه استعمال کنند
شربتی نیم مثقال یا یک مثقال نافع بود و مجرب جوارش مشک
مستعمل سودمند بود جهة ضعف معده و خفقان و بواسیر
صنعته مشک ترکی نیم مثقال قاقله وجوز الطیب وقرنفل
وزنجبیل ودارفلفل از هر یک ده درم دارچینی سه درم عود
قماری هفت مثقال زعفران دو درم قند سفید بوزن ادویه مجموع
کوفته و بیخته بعسل کف کرفته بسرشند شربتی یک مثقال بغایت
نافع بود جوارش اترج مستعمل قوة معده بدهد و اشتهای طعام
باز دید آورد و بادها بشکند و بوی دهن خوش کند صنعته
پوست اترج خشک سی درم قرنفل وجوز الطیب ودارفلفل وفلفل
و ... ودارچینی وخولنجان وزنجبیل از هر یک یک درم مشک
دانک و نیم کوفته و بیخته بعسل کف کرفته بسرشند و در ظرفی کاشی

یا جینی کننه واستعمال کنند که مفید بوذ **جوارش کافور مستعمل**
فلفل وجوز الطیب وزنجبیل وبسباسه ودارجینی ودار مشک
وقرنفه وفلفلموبه وفرنجمشک وکافور وزعفران ازهریک مساوی
مجموع کوفته وبیخته با سه چندان عسل کف کرفته بسرشند ومعجون
سازند وباید که کافور مصوری طلب کنند واکر یافت نشوذ درباجی
صنعته سوذمند بوذ ضعف معده وبلغمهاء غلیظ وسوء
الاستمراء وبغایت نافع است **نوعی دیکر غیر مستعمل** زنجبیل
وفلفل ودار فلفل ودارجینی وسنبل الطیب وصندل وجوز الطیب
وحب بلسان وقاقله وبسباسه وقرنفل وطالیسفر ونارمشک
وطباشیر وسعد کوفی وعود هندی ازهریک پنج درم کافور ومشک
ازهریک دو درم نیم قند سفید صد درم مجموع کوفته وبیخته بعسل کف
کرفته بسرشند این نسخه ازان نسخه که اول نبشته شد بقوت تراست
جوارش ملکی مستعمل باه را قوت دهد وشهوت زیاده کند
ودر مجامعت قوتی عظیم پیدا کند **صنعته** قرنفل وجوز الطیب
وبسباسه ولسان العصافیر وتخم اذخر وزنجبیل ودارجینی ومصطکی

وعود هندی وزعفران ازهریک سه درم قاقله وکندر وکر
ازهریک یک مثقال اشنه سه مثقال مشک دانک نیم قند وکلاب
ازهریک ده مثقال قند درکلاب حل کنند وقدری عسل که
کفایت بوذ برسر آن ریزذ وبرسر آتش نهد تا نزدیک انعقاد
فرو کیرذ وداروها کوفته وبیخته بران افشانند وبکفچه بجنبانند
تا نیک سرشته شوذ شربتی یک مثقال نافع بوذ ومجرب وازموده
جوارش جلاء مستعمل منی زیاده کند ومجامعت را قوة دهد
وضعف کرده را سوذ دهد ومعده را قوی کند واشتهای طعام
باز دید آورد **صنعته واخلاطه** سنبل الطیب وقرفه وقرنفل
ودارجینی وقاقله ازهریک دو مثقال انیسون وتخم کرفس از
هریک یک مثقال زیره کرمانی در سرکه خوبیانیده وخشک کرده
وبریان کرده ومصطکی ونعنع خشک وعود هندی ازهریک
جهار مثقال فلفل دو مثقال مشک یک مثقال نیم دانک قند سفید
پنج مثقال مجموع کوفته وبیخته بعسل کف کرفته بسرشند شربتی یک
مثقال تا دو درم نافع بوذ ومجرب **جوارش عود مستعمل** قرنفل

سه درم قاقله کبار دو درم عود خام پنج درم زعفران یک درم
سنبل الطیب دو درم مصطکی سه درم بساسه دو درم جوز الطیب
یک درم قرفه دو درم پوست اترج پنج درم زنجبیل یک درم
دار فلفل یک درم نبات دو من **جوارش عود مستعمل مؤلف**
قرنفل دو درم عود خام پنج درم پوست اترج دو درم قرفه
جینی دو درم نبات یکمن **صنعته واخلاطه** عود خام پنج درم
نبات یکمن **جوارش عنبر مستعمل** عنبر اشهب یک مثقال عود خام
پنج درم نبات یکمن نبات را بقوام آورد وفرو کیرد جنانچه رسمت
بتبر بزنند تا پوست آید وعنبر دران اندازد وبسر تیر دربا تیله
حل کنند وبزنند نیک بعد ازان بروی سنک ریزذ وبکارد ببرد
وبردارد واستعمال کنند که بغایت مفید است **جوارش مصطکی**
مصطکی دو مثقال ونیم قند سفید یکمن مصطکی باب تر کنند و
در هاون سحق کنند وآن زمان که تیر زده باشند ونزدیک آن بوذ
که بر سنک ریزد آن زمان مصطکی دران افشانند واکر بغایت کرم
بوذ که مصطکی دران افشانند تلخ بوذ باید که نیم کرم باشد جون

نوع دیکر مستعمل مؤلف
عود خام پنج درم قرنفل یکدرم
... درم و نیم اترج یکدرم مصطکی
... درم نبات یکمن م

مصطکی بران ریزذ بعد ازان بر سنک ریزذ وبکارد ببرد
وبردارد واستعمال کنند که بغایت نافع است این مولف کوید بهتر آنست که مصطکی ...
سوذمند بوذ سردی معده وجکر وبادهای آن وبلغم دفع
کند وآب رفتن از دهان باز دارد ومجربست **جوارش حوامض**
مستعمل مولف کتاب کوید که این جوارش مثل زمن ترکیب
نکرده است واین صنعة خاصه منست معده را قوة دهد وقی
باز دارد وجکر ودل ورا قوت دهد ودفع صفرا کند
وتنقل بدان کردن دفع خمار کند **صنعته واخلاطه**
آب انار ترش وشیرین وآب سیب وبه اصفهانی وبلخی
وآب غوره وآب زرشک وآب سماق واکر کیل بوذ آب کیل
نیز اضافه کنند مجموع مساوی وبجوشانند تا یکمن باز یک جهار یک
آید بعد ازان فرو کیرد ودر تیر زدن آن آبهای ریزذ وتیر
می زنند تا جند انک خواهد بعد ازان بر روی سنک ریزذ وببرد
وبردارد واستعمال کنند وباید که آبها که جوشانند همه باهم جوشانند
بغیر آب حماض ولیمو وبعد ازان فرو کیرد از آتش آب لیمو :

... مصطکی ... جهار ...
... با ... درکلاب ریزد ...
لیمو جون قند ... است ...
بر برد و بر سنک اندازد
م

وحامض بر سر آن کنند و بکار برند چنانکه ذکر رفت **جوارش انار منعنع** بگیرند آب انار ترش و بقوام آورند چنانچه در
فواکه ذکر رفت هم چنان بسازند که بغایت نافع است **صنعة جوارش دیگر**
واخلاطه بگیرند آب زرشک تازه و اگر آب نبود خشک
که بغایت سرخ و خوب بود بجوشانند و داغ کنند و بپالایند و بقوام
آورند و چنانچه ذکر رفت بدان طریق بسازند و استعمال کنند **جوارش**
غوره منعنع آب غوره بقوام آورند نزدیک رب غوره و قند
بقوام زیاده آورند و وقت تیر زدن آب غوره می ریزند پس بر سنگ
ریزند و بکار دو ببرند و برد آرند چنانچه ذکر رفت و استعمال کنند
جوارش حماض و نارنج این دو جوارش قوام قند در وی زیاده تر از قوام
لیمو است حیلی چنانچه هم در فواکه و انار باشد و آتش لیمو کمتر
از آتش ایشان باید تا معلوم باشد و صنعة آن مشهور و معروف است
جوارش نعنع منعنع قند صافی کرده بقوام قرص فواکه آورند و برگ
نعناع بجاشنی نهند چندانکه ترش شود و طعم نعناع روشن بود و
بعد از آن بر سنگ ریزند چنانچه عادت است و هرچه جوارش فواکه

و انار و زرشک و غوره و نارنج و سکنجبین منعنع است تناولیان
کمتر دانند ساخت بدان سبب صنعة آن نبشته شد تا مرکب
را آسان بود صنعة آن والله اعلم **الباب الرابع فی الاطریفلات**
اطریفل بزرگ منعنع سودمند بود بواسیر را و لون نیکو
کرداند و باه زیادة کند و معده را قوت دهد و مجرب است **صنعه**
پوست هلیله کابلی و هلیله سیاه و پوست بلیله و آمله مقشر و
فلفل و دار فلفل از هر یک سی درم زنجبیل و بوزیدان و بسباسه
و شیطرج هندی و شقاقل مصری و تودری سرخ و سفید و لسان
العصافیر و مغز حب فلفل و کنجد مقشر و قند سفید و خشخاش
سفید و بهمن سرخ و سفید از هر یک ده درم مجموع کوفته و بیخته بروغن
بادام چرب کنند و با سه چندان عسل کف گرفته بسرشند شربتی یک مثقال
یا دو مثقال و بعد از دو ماه استعمال باید کرد و قوت این اطریفل
تا سه سال باقی ماند و بغایت نافعست **اطریفل کوچک منعنع**
سودمند بود جهت استرخاء معده و رطوبة آن و بواسیر را دفع
کند و ذهن را نیکو کند **صنعته** پوست هلیله کابلی و هلیله

پوست هلیله سیاه و پوست هلیله زرد و آمله مقشر و پوست بلیله از هر یک
ده درم کوفته و بیخته بروغن بادام چرب کرده با سه چندان
عسل کف گرفته بسرشند و بعد از دو ماه استعمال کنند و قوت این
اطریفل تا سه سال می ماند و شربتی یک مثقال تا دو مثقال نافع بود
و مجرب **اطریفل کشنیز منعنع** پوست هلیله کابلی و پوست بلیله
و آمله و هلیله سیاه و کشنیز خشک اجزا متساوی و بعضی هلیله
سیاه نمی کنند مجموع کوفته و بیخته بروغن بادام چرب کرده با سه
چندان عسل کف گرفته بسرشند و بعد از دو ماه استعمال کنند
شربتی یک مثقال تا دو مثقال نافع بود **اطریفل مقل** جهة بواسیر که
انبجار معده بود عظیم نافع بود و قوة معده بدهد و بغایت نافع
صنعته واخلاطه پوست هلیله کابلی و پوست هلیله زرد و آمله
مقشر از هر یک ده درم مقل سی درم مقل را باب کنند تا حل کنند
و عسل کف گرفته شصت درم بر سر آن کنند و بقوام آورند و داروها
بدان بسرشند **اطریفل مقل دیگر** جهت بواسیر بغایت سودمند و مفید
و مجرب است **صنعته واخلاطه** پوست هلیله سیاه و پوست

هلیله زرد و آمله مقشر و اسطوخودوس و افتیمون و بسفایج از هر یک
ده درم مقل و فلوس خیارشنبر از هر یک سی درم مقل و خیارشنبر
در آب کنند تا حل کنند و عسل کف گرفته سه وزن ادویه بر سر آن
کنند و داروها بدان بسرشند و معجون سازند که بغایت نافع است
اطریفل دیدان منعنع جهة کرمهای خرد و بزرگ بغایت مفید و سودمند
بود **صنعته** برنگ کابلی مقشر ده درم حب النیل و تربد
سفید مقشر خراشیده و قسط تلخ از هر یک پنج درم عسل و ترمس
و افسنتین رومی و شیح ارمنی و افتیمون اقریطی و ملح نفطی و خردل
سفید و شحم حنظل و سعد هندی و راسن خشک از هر یک سه درم
کوفته و بیخته با دو چندان عسل کف گرفته بسرشند شربتی از دو درم
تا چهار مثقال و بغایت نافع بود و آزموده **اطریفل شاهترج منعنع**
پوست هلیله زرد چهل درم پوست هلیله کابلی سی درم پوست
بلیله و آمله مقشر و سنا مکی از هر یک ده درم شاهترج سی درم
ریوند چینی دو درم چوب گز دو درم مجموع کوفته و بیخته بروغن
بادام چرب کرده بوزن ادویه کشمش بدان بسرشند شربتی

یک مثقال یا چهار درم شاید و مفید است **اطریفل افسنتین مستعمل**
پوست هلیله کابلی و پوست بلیله و آمله مقشر از هر یک دو درم
سنای مکی و تربد سفید مجوف و افتیمون از هر یک پنج درم شیطرج
هندی سه درم سماق فستقی پنج درم انیسون و نمک هندی از
هر یک دو درم کوفته و بیخته با سه چندان عسل کف گرفته
بسرشند شربتی یک مثقال نافع بود **الباب الخامس فی المربیات**
اهلیلج مربا معده را قوة دهد و هضم طعام بکند و حمل معده
را محکم گرداند و بواسیر را سود دارد و سدّهٔ بلغمی را بگشاید و
روشنائی چشم بیفزاید و درد سر که از بخار معده بود زایل کند
اگر قدری کشنیز بریان کرده با وی اضافه کنند بهتر باشد
صنعته اهلیلج مربا اولی آن بود که در تری آنرا پرورده
باشند و اگر یافت نشود و ضروری بود بستانند هلیله کابلی بزرگ
صد عدد و در ظرفی سبز کنند و چندان آب بر سر آن کنند
که آنرا بپوشاند و بعد از آن پنجاه درم خاکستر چوب رز یا چوب
بلوط بر سر آن کنند و هر سه روز بدل می کنند آب و خاکستر تا

تا دوازده روز چهار نوبت بدل کنند بعد از آن آنرا بچند آب
بشویند آهسته چنانک پوست از وی نرود و جدا نشود و
بعد از آن در باتیه کنند و آب بر سر آن کنند و یک مشت جو
کوفته بر سر آن کنند و بجوشانند تا چون کشکاب پخته گردد
دیگر فرو گیرند و آهسته بشویند چنانک پوست از وی نرود
و هر هلیله را ده سوزن بزنند و در ظرفی چینی یا کاشی کنند
و چندان عسل بر سر آن کنند که آنرا بپوشاند و ده روز دیگر
رها کنند بعد از آن بجوشانند دو سه جوشی نیک و در ظرفی کنند
و این داروها که یاد خواهیم کرد بر آن افشانند دارچینی و زنجبیل
و قرفه و هیل و جوز الطیب و مصطکی و عود هندی از هر یک
ده درم زعفران یک مثقال مشک نیم مثقال مجموع کوفته و بیخته
بر آن افشانند و بعد از چهل روز استعمال کنند و هر روز بیرون
ظرف بشویند که بغایت نافع است **اترج مربا مستعمل** طبیعت
وی گرم و خشک بود و قوة معده بدهد خاصه که با پوست مربا
کرده باشند **صنعته** بستانند اترج بزرگ که آنرا دباغ

خوانند و با ترخوانند و زردی آن پاک کنند و ترشی جدا کنند
بعد از آن گوشت مالک در دیگ اندازند و عسل شهد سفید
بر سر آن کنند و با آتشی بغایت آهسته می جوشانند تا بقوام آید
و اگر بقند خواهند بهمین سبیل الا مربیات مثل اترج و هلیله
و ششقاقل و جزر و جوز و امثال آن بعسل بهتر بود که بقند
و هر چه تمر هندی و آلوچه و سیب و به و بلیلج و امثال آن بقند
بهتر بود والسلام **ششقاقل مربا مستعمل** مجامعت را قوة دهد
و باه را زیاده کند و نعوظ تام آورد و بغایت در امر باه مفید است
صنعته و اخلاطه بستانند ششقاقل تازه و اگر تازه نبود خشک بخیسانند
یک شبانروز و آب آن بریزند و یک شبانروز دیگر بخیسانند و سیوم
روز هم چنین کنند و بعد از آن آنرا مقشر کنند و بجوشانند تا نیم پخته
شود بعد از آن عسل صافی بر سر آن کنند و با آتش نرم بجوشانند
تا بقوام آید و فرو گیرند و در ظرفی سبز کنند یا چینی تا چهل روز
و بعد از آن استعمال نماید که مفید است **جوز مربی مستعمل** باه را زیادت
کند و استسقا را نافع بود و قوت پشت بدهد و سینه را نیکو بود

و مفید و نافع است **صنعته و اخلاطه** بستانند جزر تر خوب بزرگ
و پوست آن بخراشند نیک و بار دها بقدر انگشت کوچک کنند
و چوب اندرون آن بیندازند و با قدری آب و عسل بجوشانند
تا نیم پخته گردد بعد از آن بیرون آورند و دیگر عسل صافی بر سر
آن کنند و اندک جوشی بجوشانند و فرو گیرند و در ظروف کنند
تا چهل روز بیرون ظروف می شویند و شستن ظروف لازم است
در همه مربیات بغیر از اترج که محتاج نیست **تفاح مربی مستعمل**
جهة قوت معده و دل بغایت نافع و سود مند بود **صنعته**
بستانند سیب اصفهانی پنجاه عدد یا صد عدد آن مقدار که خواهند
و در دیگ کنند و قند صافی کرده بر سر آن کنند و بجوشانند چندانک
سیب رنگ بگرداند و پژمرده شکل شود بعد از آن فرو گیرند
و در ظروف چینی یا سبز کنند و بعد از چهل روز مستعمل کنند و باید
که پوست سیب بخراشند و اگر نه سهو شود اگر چه در بعضی کتبها
مسطور بود که پوست آن بخراشند و مولف بکرات امتحان کرده
و این سهو است **سفرجل مربی مستعمل** قوة وی زیادة تر است مربا بود

در تقویة معده **صنعت اخلاط** بستانند به اصفهانی شیرین
وپاره کنند پارها کوچک و با قند صافی کرده بر سر آتش نهند وبجوشانند
تا بقوام آید وفرو گیرند ودر ظروف کنند وبعد از چهل روز
استعمال کنند **کمثری مربی مسعد** جهت قوة معده بغایت نافع
وسودمند بود **صنعته** بستانند بهی اصفهانی بی کرم
وقند صافی کرده برسر آن کنند وبجوشانند چندانکه رنگ بگرداند
وپژمرده شکل کرده وبعد از آن فرو گیرند ودر ظروف سبز کنند
بعد از چهل روز استعمال کنند وباید که از شستن دست باز ندارد
آلو رک مربی حرارة ساکن کرداند وتشنکی بنشانند **صنعته**
بستانند آلوچه اصفهانی با حاری وقند صافی برسر آن کنند وبجوشانند
باتشی آهسته تا بقوام آید وجلاب باید که نیک باشد که هرچه سیب
وبلجی وبه است آب دار است ودر جوشیدن آبی باز می دهند
وآلوچه نه **قرع مربی متعمل** سینه را بغایت سودمند بود وشش
وشانه را سودمند بود که در وی صلابتی باشد **صنعته** بستانند
کدو تانه نازک وپوست آن بخراشند ومغز آن بیندازند وپاره کنند

مانند انکشت در دیک کنند وعسل برسر آن کنند وقدری آب
وبجوشانند تا بقوام آید واگر بقند خواهند همین سبیل **بطیخ
مربی متعمل** دفع حرارت بکند وتشنکی بنشانند
صنعته بستانند پوست خیار کدو وسه شبانروز در آهک
وآب خویسانند وبعد از آن بیرون آورند ویک شبانروز در
آهک وآب خویسانند ودیگر بیرون آورند وسه شبانروز در تنگ آب
خویسانند وبعد از آن بیرون آورند وسه شبانروز در آب صافی
خویسانند وبعد از آن فرو گیرند وبنهند تا آب بپالاید ودیگر در
عسل مصفی اندازند وبرسر آتش نهند وبجوشانند تا بقوام آید
وفرو گیرند ودر ظرف کنند وبعد از چهل روز استعمال کنند **وج
مربی متعمل** جهت لقوه وقولنج ریحی بغایت نافع بود ومصروع
را سود دهد **صنعته** بستانند وج ترکی فربه وسه شبانروز در
آب خویسانند وبعد از آن بیرون آورند وقدری آب وعسل برسر
آن کنند وبرسر آتش نهند واندکی بجوشانند تا نیم پخته گردد وبیرون
آورند وعسل مصفی برسر آن کنند وبجوشانند تا بقوام آید وبعد

از چهل روز استعمال کنند **جوز مربی متعمل** سودمند بود معده
سرد را وگرده سرد را وباه زیاده کند **صنعته** بستانند
گردکان تر که هنوز پوست آن صلب نشده باشد وپوست
از وی جدا کنند ودر دیک کنند وعسل مصفی برسر آن کنند و
بجوشانند باتشی آهسته دو سه جوشی وبعد از آن در ظرف کنند
وبعد از چهل روز استعمال کنند وتا چهل روز دست از ظرف
شستن باز ندارد **لوز مربی متعمل** سودمند بود سرفه را
بغایت **صنعته** بستانند بادام فربه مقشر کنند ودر دیک کنند
ودوشاب چندانکه آنرا بپوشاند برسر آن کنند وبرسر آتش نهند
ودو سه جوش سبک بزنند فرو گیرند وسه روز رها کنند بعد
از آن بیرون آورند از دوشاب ودر دیک کنند وعسل شهد برسر
آن کنند ودو سه جوش بزنند وفرو گیرند ودر ظرف کنند
وتا چهل روز ظرف را می شویند بعد از آن استعمال کنند که نافع است
بنفشه مربی متعمل سینه را نرم گرداند وسرفه که از حرارت بود
زایل گرداند وخشونة حلق دفع کند وبغایت مفید است اکال

صنعته بستانند گل بنفشه خوب تازه وباید که قطعا
دنبال با آن نبود ودر دست بمالند تا گسسته شود واگر خواهند
با قند بکوبند در هر یک من سر بنفشه دو من قند سفید وبعضی
در هر یک من سر بنفشه چهار من قند می کنند ودر آفتاب نهند
تا چهل روز استعمال کنند که در آنچه ذکر رفت نافعست **طبرزد
الکبری متعمل** سودمند بود بلغم را وقوة معده بدهد وبغایت
هاضمه را نافع بود **صنعته** بستانند ورق گل تازه یکمن
وقند سفید دو من واگر خواهی چهار من وهم چنانکه در خمیس
بنفشه گفته شد بسازد **جلنجبین سوجل** قوة دل ودماغ ومعده
را بغایت نافع بود واز جمله مفرحاتست **صنعته** بستانند گل به
وهم چنان که گلنکبین می سازند بسازد که بجهة تقویة معده بغایت
نافع بود **جلنجبین متعمل** از ادویه قلبی است ماده سودا دفع
کند وخفقان زایل کند وسرفه بلغمی را نافع بود **صنعته**
بستانند گل گاو زبان ودر هر یکمن گل گاو زبان دو من قند
اضافه کنند وبکوبند وهرچه جلنجبین سوجلی وجلنجبین لسلین

حلنجس عسکری

حلنجبین عسلی ... بود جهة سردی معده و سردی جگر و ... سردی بود وصنعت آ... گلنجبینه سبت ...

الثورات البته باید که قندی بوذ واکر از عسل خواهند یعنی
عسل و نمی قند اضافه کنذ بهتر بوذ وجهة تفریح و دفع
مادهٔ سوداوی نافع است والله اعلم **الباب السادس فی الاشربة**
والربوب شراب عناب سرد و تر بوذ جهت
سرفه بغایت نافع بوذ و غلبه خون و اهیاج ماشرا و حدری
وحصبه و درد سینه بغایت نافع بوذ **صنعته** بستانند عناب
جرجانی یک چهاریک و در ده من آب بجوشانند تا باز دود انک
آیذ و در دست بمالند و صافی کنذ و یکمن قند صافی کرده بر سر
آن کنذ و بجوشانند تا بقوام اید شربتی از ده درم تا ده مثقال
شاید **شراب نیلوفر** سرد و تر بوذ سودمند بوذ جهة سرفه
و درد سر و درد سینه و شکم نرم دارذ و جهة معده و خشونة سینه
بغایت مفید بوذ **صنعته** بستانند یک وقیه نیلوفر خوب
تازه و بجوشانند و صافی کنذ و یکمن قند صافی کرده بر سر آن کنذ
و بجوشانند تا بقوام آیذ شربتی از ده درم تا ده مثقال نافع بوذ
بمجرب **شراب بنفشه** معتدل بوذ در سردی و سودمند

بوذ جهة ذات الجنب و ذات الریه و درد کرده و بول براند
و شکم نرم دارذ و سینه و حنجره و سرفه که ثابت بوذ بغایت نافع است
صنعته بستانند بنفشهٔ تازه و کل آن بکیرذ یک چهاریک
و بپزذ و بمالند و یکمن قند صافی کرده بر سر آن کنذ و بجوشانند
تا بقوام اید و اکر خواهند که مسهل بوذ پنج نوبت بنفشه مکرر
کنند چنانچه یکمن و چهار یکی بنفشه بوذ و اکر بنفشهٔ تر نبوذ بنفشه
خشک یک وقیه بوزن سی مثقال عوض بنفشه تر دیک چهاریک
کنند نافع بوذ **شراب دینار منفعتها من نفث** ذات الجنب و حرارة جکر
بغایت نافع بوذ و طبیعت نرم دارذ و تشنکی بنشاند و سوء
القنیه و استسقا را سودمند و نافع بوذ **صنعته** تخم کاشنی
بیست بوست بیخ کاشنی تازه سی درم نیلوفر ده درم کاوزبان
ده درم ورق کل سرخ بیست مثقال تخم کسوث در کتان بسته
پنج درم ریوند چینی پنج درم و اکر پنج مثقال باشد شاید
ادویها بغیر از ریوند چینی بجوشانند و صافی کنذ و قند صافی
کرده یکمن بر سر آن کنذ و بجوشانند تا بقوام آیذ و ریوند چینی

سوده بر پخته شده بکیرذ و بر سر آن کنذ **نسخه دیکر شراب دینار**
تخم کاشنی بالخصوص درم بوست بیخ کاشنی تازه بیست درم کاوزبان
ده درم ورق کل سرخ ده درم زرشک ده درم نیلوفر ده
درم ... ریوند چینی سه مثقال قند سفید یکمن و این نسخه
مستعمل ثرات و ترکیب مولانا سعید مغفور مرحوم صدر المله
والدین عطار الله است علیه الرحمه **شراب بزوری** بوست
بیخ کاشنی سی درم و تخم کاشنی بیست درم و رازیانه ده درم و بوست
بیخ رازیانه بیست درم تخم کشوث در کتان بسته پنج درم بوست بیخ
کبر ده درم تخم کرفس رازیانه ده درم بوست بیخ کرفس ده درم
بجوشانند تا بقوام اید و این شراب جهة مستسقی بغایت سودمند
بوذ و جهة معده و جکر مفید بوذ و بادها بشکنذ و جهة مفاصل
بغایت سودمند و نافع بوذ **شراب زوفا** جهة ضیق النفس
و ربو و سعال مزمن و سعال بلغمی بغایت سودمند بوذ **صنعته**
بستانند عناب سی دانه سبستان پنجاه دانه انجیر سفید بیست
میویز طایفی سی دانه پنجاه عدد بنفشه پنج درم برسیاوشان هفت درم

تخم خطمی و تخم خیارین از هر یک پنج درم مهک خراشیده هفت درم
زوفا خشک هفت درم و در نسخهٔ دیکر فراسیون پنج درم اضافه
میکنند و بجوشانند و صافی کنند و یکمن قند صافی کرده بر سر آن
کنذ و بجوشانند تا بقوام آیذ **شراب خشخاش** سرد و تر بوذ سودمند
بوذ سینه و دماغ کرم و بی خوابی و نزله و ریشهای سینه را بغایت
نافع بوذ **صنعته** بستانند خشخاش بزرک با بوست صد عدد
و نیم کوفته کنذ و بجوشانند در ده من نیم اکر باران بوذ بهتر بوذ
تا باز دود انک آن آیذ و فرو کیرذ و بمالند و قند صافی کرده
ش دو من بر سر آن کنند و بجوشانند تا بقوام اید و بعضی شیرهٔ خشخاش
کیرند و چون قند بقوام آمده باشذ فرو کیرند و بر سر آن نرم
سر خشخاش بخورد قند دهند و آن بکاری نیاید و اکر خشخاش
بی بوست نیم کوفته کنند و بجوشانند چنانچه ذکر رفت و بسازند
و مستعمل کنند نافع بوذ **شراب صندل** سودمند بوذ جهة
ضعف دل و جکر کرم و تب محرق **صنعته** بستانند صندل
مقاصری و سوده باید هشت مثقال و اکر بکلاب خواهند

یک شبانروز در کلاب خویسانند و اکر ترش خواهند باب
غوره یا سیر که هرکدام که خواهند صندل در آن خویسانند آن
مقدار که کفایت باشد و بعد از آن بپالایند و قند صافی کرده
یکمن بر سر آن کنند و بجوشانند تا بقوام آید اکرچه در همه کتبها
مسطور باشد که صندل پنجاه درم با عسل ده درم و کفته باشد که
بعد از یک شبانروز که خویسانیده باشند بجوشانند و این ممکن
نیست که توان خورد و اکر نیز بجوشانند و از بیست مثقال صندل
زیاده بود ممکن نیست که توان چشید از غایت تلخی و هرچه
شراب لیمو و حماض و ریباس و صندل است از کتب متقدمان
نتوانی ساخت مکر بدین نوع که نوشته خواهد شد **شراب**
لیمو مثلث سرد و خشک بود و اندک حرارتی در و باشد
و قوة معده بدهد و صفرا بشکند و هاضمه را یاری دهد و دفع
قی بکند و خماری را سود دارد و تبهای صفراوی زایل کنند
و تشنکی بنشانند **صنعته** بستانند لیمو خوب و آب آن
بکیرند و قند صافی کرده بقوام زیاده آورند و قدری کلاب

و دلیل کویه مصلح آنست که ... در کلاب خیسانیده و روز ... [illegible] ... و با قند صاف نتوان ... [illegible] آن ... [illegible]

آب لیمو آن مقدار که کفایت باشد بآن ریزند و اکر یک دو جوش
بزنند شاید و اکر خشک خواهند از آتش فرو کیرند و بر آتشی
آهسته نهند و آب لیمو بآن می ریزند و تیر می زنند تا آن
زمان که تمام شود و اکرچه در منهاج و اقراباذ تنها آورده
باشند که آب لیمو در دو یک سکنجبین بجوشانند تا بانیمه آید و بهر
یک رطل آب لیمو یک رطل قند بر آن نهند و مؤلف این کتاب
کوید ممکن نبود خوردن آن از غایت تلخی **شراب حماض**
ترکیب آن مانند شراب لیمواست که کفته شد و منافع آن هم
منافع لیمواست بلکه زیادة تر و نافعتر **شراب سیب**
بهترین آن باشد که از سیب شاهی یا اصفهانی بزنند و طبیعت
آن سرد و خشک بود و قوة معده بدهد و خفقان سودمند
بود و قی ساکن کرداند **صنعته** بستانند سیب اصفهانی
خوب شیرین و مقشر کنند و دانه از وی بیرون آورند و بکوبند
و آب آن بکیرند و هر یکمن آب نیم من قند صافی کرده بر سر آن
کنند و بجوشانند تا بقوام آید **شراب به** مانند شراب

سیب است که کفته شد اما به شیرین و ترش باید که کنند
شراب فواکه قوة معده و دل و جکر بدهد و دفع قی
بکند و صفرا بشکند و زنان آبستن را سودمند بود و مفید
صنعته آب به و آب سیب و آب بلجی و آب انار ترش
و شیرین و آب سماق و آب زرشک و آب کیل ... یکدیکر
و اکر آب غوره و حماض و لیمو قدری اضافه کنند شاید آن ابها
بجوشانند تا بنیمه آید و بهر یکمن آب یکمن قند صافی کرده بر سر
آن کنند و اکر نمی کنند بهتر بود و بجوشانند تا بقوام آید **شراب**
تمر هندی قی باز دارد و قوة معده بدهد **صنعته و اصلاحه**
بستانند انار ترش و بجوشانند تا بنیمه آید و هر یک من آب انار
نیم من قند صافی کرده بر سر آن کنند و بجوشانند تا بقوام آید
و اکر قدری آب نعناع بآن اضافه کنند شاید **رب سیب**
آب سیب کا فورقی بجوشانند تا بقوام آید و فرو کیرند و در ظرفی
کنند و استعمال نمایند **رب انار** بکیرند آب انار ترش و شیرین
و چنانچه ذکر رفت در سیب بسازند و از آن همه ربوب بدین

نوع باشند **رب انار** هم بدان طریقه که کفته شد بسازند **شراب نعنع**
صنعته بستانند آب انار ترش و شیرین که سه آن کرفته
باشند و بجوشانند تا بانیمه آید بعد از آن آب انار جوشیده یکمن
و آب نعناع تا ان نیمن و قند صافی کرده یکمن بر سر آن کنند و بجوشانند
تا بقوام آید و استعمال کنند **شراب اجاص** بستانند آلو سیاه خوب
فربه یکمن و بشویند پاک و در ده یکمن آب بجوشانند تا باز دو دانک آید
و فرو کیرند و بدست بمالند و صافی کنند و یکمن و نیم قند صافی کرده
بر سر آن کنند و بجوشانند تا بقوام آید و استعمال کنند **شراب کل مکرر**
و این مسهل صفرا بود و تشنکی بنشاند **صنعته** بستانند ورق کل سرخ
خوب بی تخم یک رطل و دو ربع من آب بجوشانند نیک و بپالایند و دیکر
یک رطل کل بر سر آن آب کنند و همچنان کنند تا هفت نوبت مکرر کنند
بعد از آن قند صافی دو من بر سر آن کنند و بجوشانند تا بقوام آید شربتی
سه درم با عسل درم با سکنجبین و آب برف **شراب ریباس** تشنکی به
بنشاند و قی باز دارد و دفع خمار بکند **صنعته** بستانند ریباس ...
خوب و سر و بن آن بیندازند و بکاردی چوبین پاک کنند و تنها ...

سنکین یا چوبین بکوبند وبکتان بفشارند ودر قدحی چینی کنند
وزمانی رها کنند وباز بقدحی دیکر پالایند آهسته وچند نوبت
بالایند وهر بار هرچه درین قدح باشد می ریزند تا تمام صاف
شود بعد ازان قند صافی کرده باید که بقوام زیاده آورده باشد
نزدیک شاشی آن زمان آب ریباس صافی برسر آن میریزد وباید
که در دیک سنکین باشد وهیچ سد تره باشد وآتش وی آهسته
بود تا تمام شود وانک در کتب مسطور باشد که آب ریباس اول
بجوشانند تا بازده وانک آن آید وبعد ازان قند برسرآن کنند واین
خلافست وخطا ومولف این کتاب کوید هیچ شراب مشکل تر از
ریباس نیست بجتن آن **شراب غوره** تا یم مقام ریباس بود
در طبیعت **صنعته** بکیرد آب غوره خوب وصافی کنند
وبجوشانند تا بقوام آید وا کرخواهند تا بازیمه آید وبپالایند وصافی کنند
وبهریکمن آب غوره یکمن قند بران نهند وبجوشانند تا بقوام آید واکر
خواهند که بغایت ترش نبود بهر یکمن قند نیمن آب غوره بران
نهند وبآتش نرم بقوام آورد **رب غوره** بکیرد آب غوره

تا درد آن ته نشینه م

بجوشانند در دیک سنکین تا باز ربعی آید وبپالایند ودیکر بجوشا نند
تا سدسی بماند برداره واستعمال کنند واکر تنک بود در ظرف
سبز کنند ودر آفتاب نهند **شراب مورد** بکیرد مورد دانه
تان وبکوبند وآب آن بکیرد وصافی کنند وبجوشانند تا باز نیمه آید
واکر دانه مورد تان نبود بستانند دانه خشک یکمن ودر چهار من آب
بپزد تا یکمن بماند وفرو کیرد وبدست بمالند وصافی کنند ونیمن
قند صافی کرده برسرآن کنند وبجوشانند تا بقوام آید وفرو کیرد
واستعمال کنند واین سرد وخشک بود وشش وسینه را سودمند بود
وقوة معده بدهد بغایت وشکم به بندد **رب مورد** بستانند مورد
دانه تان وبکوبند وآب آن بکیرد وبجوشانند تا باز ربعی آید وصاف
کنند واکر تنک باشد قدری رب به اضافه کنند تا بقوام آید بعد ازان
فرو کیرد واستعمال کنند **شراب توت** بستانند توت سیاه وآب
آن بکیرد وصافی کنند وبپزد تا به نیمه آید وپنج رطل ازآب سه رطل
قند صافی کرده برسرآن کنند وبجوشانند تا بقوام آید سودمند بود
جهة درد کلو وخناق وورم کرم بغایة مفید بود **شراب انار عذب** :

بستانند انار عذب وصافی کنند وبجوشانند تا باز نیمه آید **رب
انار عذب** بستانند آب انار عذب صافی بیست وپنج من وآب
سیب یکمن ونیم وقند سفید چهاریک وبعضی آب سیب سه چهاریک
می کنند وقند یکمن ونیم وبجوشانند تا بقوام آید واین نوع بغایت
مفید بود جهة سلول وشکم به بندد وسرفه را سودمند بود
ودل را قوة دهد وضعف وذبول زایل کند **شراب انجیر** قوة کرده
بدهد وباه بیفزاید ونعوظ تمام آورد ومنی زیاده کند ومثانه
را پاک کند ازعلت وقوة مجامعت بدهد **صنعته** بستانند نخود
یکمن ودر پنج من آب بپزد تا بازده وانک آید وبعد ازان بستانند انجیر
سفید خوب دو من ودر پنج من آب بجوشانند تا یکمن ونیم بماند
وبپالاید وطبیخ نخود برسرآن کنند ونخود وانجیر بیندازد وبهریک
من ونیم طبیخ انجیر یکمن ونیم عسل شهد کف کرفته برسرآن کنند
ودارچینی وخولنجان وقرنفل وسنبل الطیب ازهریک یک درم
زعفران ساخ نیم درم مجموع نیم کوفته در صرة بندد ودر آن
اندازد وبجوشانند تا بقوام آید وفرو کیرد واستعمال کنند

شربتی پنج مثقالی منفعت کند پیش از غذا وبعد از غذا نیز شاید
واکر با آب کرم خورد هم شاید **شراب کاوزبان** دل را قوة
دهد وتوحش سوداوی را زایل کند وبغایت مفید بود
صنعته بکیرد آب لسان الثور مقطر یکمن وآب بادرنجویه
یکمن وعسل صافی یکمن برسرآن کنند وبجوشانند تا بقوام آید
وزعفران یک درم دران حل کنند واکر بقند خواهند شاید واکر
کاوزبان تر نبود بستانند کاوزبان خشک چهل مثقال ودر یکمن
کلاب خیسانند وبجوشانند وبپالایند وقند صافی کرده یکمن
برسرآن کنند وبجوشانند تا بقوام آید شربتی ده درم نافع بود
ومفید **می به** آب ترش وشیرین ده رطل شراب کهن
خوش بوی پنج رطل ثفل به را در شراب خیسانند یک شبانروز
وبعد ازان بجوشانند وبپالایند وباز شراب به کنند وباهم بجوشانند
تا به نیمه آید وفرو کیرد وبپالاید وباز برسر آتش نهند وعسل باقند
اکر خواهند دو رطل ونیم دران اندازد ودارو ها زنجبیل وهیل
وقرنفل ومصطکی وعود ازهریک نیم درم زعفران دانشه ومسک :

ازهریک دانکی درصرّه بسته اکرخواهند دران اندازند و بجوشانند
وزمان زمان کیسه دران می مالند تاتمام شوذ وفرو کیرند ودر
ظرف کنند **شراب بالنکو** بستانند بالنکو بانهٔ یکمن وکاوزبان خشک
سی درم بجوشانند واکر بالنکو خشک بوذ سی مثقال وبپالایند ویکمن
عسل کف کرفته برسرآن کنند وبجوشانند تا بقوام آیند وبعضی
درشراب بالنکو زعفران ومصطکی می کنند واولی آن بوذ که نکنند
اکراحتیاج بان باشد وظیفهٔ طبیب بوذ ترکیب آن واکر قندی خواهند
بهمن سبیل که کفته شد واستعمال نمایند **سکنجبین ساده** تب زایل
کند وسدّه بکشاید ومعده را ازبلغم باک کند وبیشترمزاج کرم را
موافق بوذ وجکر را قوة دهد وصفرا بشکند وصحرورا نکاه
دارد لکن باه را نقصان بوذ **صنعته** قند صافی کرده وسرکه
سفید آن قدر که کافی بوذ برسرآن کنند وقدری کلاب واولی
آن بوذ که دردیکی سنکین بپازد واکرنه بانکه داند که جکونه در
ظرفی دیکر کنند وبجوشانند تا بقوام آید وباید که سرکه درا ول بکند
که قند صافی کرده باشد تا جون بقوام آید سرکه خام نباشد **سکنجبین**
که قند صافی

ساده قوة معده وجکر واشتها بازدید کند وسدّه
بکشاید وناصها را بغایت سودمند بوذ **صنعته** بکیرد به
اصفهانی خوب خوش بوی وازدانه باک کند وبکوبد وآب آن
بکیرد ویکمن آب به ویکمن قند صافی کرده ویک جهاریک سرکه
سفید برسران کنند وبجوشانند تا بقوام آید واکرجند بار به دران
اندازد شاید وفروکیرد واستعمال نماید **سکنجبین بزوری**
سرد متعمل سدّه معده وجکر بکشاید وبول براند ومعده را
ازفضول باک کند واستسقا را نافع بوذ **صنعته** بوست بیخ
کبر وبوست وبیخ کرفس وبوست بیخ رازیانه ازهریک هفت
درم تخم کرفس ورازیانه وانیسون وتخم کاشنی وتخم کشوث ازهریکی
پنج درم غصان غافث وریوند صینی ازهریک دو درم مجموع نیم
کوفته درسه رطل آب وجهاریکی سرکه خوبیانند وهم جنین که در
سکنجبین بزوری سرد کفته شد هم جنان ببزد واستعمال نماید **سکنجبین**
بزوری ریوندی تخم کاشنی وتخم خربزه وتخم خیارزه وتخم خیار بالنک
ازهریک ده درم نیم کوفته بوست بیخ کاشنی تر بانجده درم ورازیانه

سه درم بوست بیخ رازیانه تر ده درم زرشک بی دانه بانجده
درم ریوند صینی بنج مثقال نبات یکمن سرکه جهل درم خانجه
کفته شد ببزد وریوند شین بکیرد جنانجه درشراب دینار
کفته شد واکر هم جنین سوده وبوالادبیخته اضافه کنند شاید
سکنجبین افتیمون تخم کاشنی وتخم رازیانه وتخم کرفس
افسنتین ازهریک سه درم سه تخم ده مثقال بوست بیخ کاشنی و
بوست بیخ رازیانه وافتیمون ازهریک هفت درم ادویها بغیر
افتیمون نیم کوفته بجوشانند افتیمون درصرّه کتان بندد وسرکه
یک جهاریک اضافه کنند جنانجه ذکررفت نبات یکمن ودر آخر
جوش افتیمون درصرّه کتان بسته بیندازد تا دو سه جوش بزنند
وتمام شوذ **نوعی دیکر ازین سکنجبین** افتیمون بنج درم واسطو
خودوس جهارده درم سنائ فستقی نیم کوفته بنج درم بالنکو سه درم
تخم فرنجمشک سه درم تخم کشوث بنج درم کاوزبان سه درم مجموع در
یکمن ونیم آب وجهاریکی سرکه بخیسانند یکشبانروز وبجوشانند و
بپالایند وقند صافی کرده یکمن برسرآن کنند تا بقوام آید وفرو

کیرند واستعمال کنند **سکنجبین عنصلی** سرکه عنصل یک
جهاریک وعسل مصفی یکمن واکر قند وعسل باهم کنند بهتر
بوذ بجوشانند تا بقوام آید جهت ضیق النفس واستسقا وربو
وسعال بلغمی وسعال قدیم نافع بوذ والله اعلم واحکم

الباب السابع فی اللعوقات لعوق سپستان

سودمند بوذ خشونة حلق وسرفه وسینه وشش نرم دارد
وذات الجنب وذات الصدع نافع بوذ **صنعته** بستان
دویست عدد مویز طایفی بی دانه جهل درم فلوس خیارجنبر
ده مثقال تخم مهک خراشیده نیم کوفته جهل درم مجموع درشش رطل
آب ببزد تا بازدو دانک آید وفرو کیرد ودردست بمالد وصافی
کند وبمن قند سفید برسرآن کنند وبجوشانند تا بقوام آید **لعوق**
زوفا مسهل سودمند بوذ ربو وسرفه کهن وسینه را وشش را
ازاخلاط غلیظ باک کند **صنعته** بستانند ابرسا وزوفا خشک
ازهریک بیست درم ابرسا نیم کوفته کنند وباسه رطل آب بجوشانند
تا بازیک رطل آید وبدست بمالد وصافی کنند ویک رطل قند صافی

کرده برسر آن کنند و بجوشانند تا بقوام آید **لعوق اسقیل**
مستعمل سوذمند بوذ جهت ربو و سرفه کهن چون
از رطوبة غلیظ بوذ **صنعته** بستانند اسقیل بریان کرده
سه درم ایرسا دو درم فراسیون و زوفا از هر یک درم
کوفته و بیخته بعسل مصفی بسرشند واستعمال نمایند **لعوق**
خیارجنبر بنفشه پنج مثقال عناب بیست دانه سبستان
پنجاه دانه مویز طایفی سی دانه پنج مهکل خشخاش ده درم
خشخاش نیم کوفته بیست مثقال زوفا سه مثقال رازیانه
سه مثقال ابرسایم کوفته سه درم کثیرا سه مثقال صمغ آلو سیاه
دو درم برسیاوشان پنج مثقال انجیر سفید بیست عدد بجوشانند
وبدست بمالند وصافی کنند و فلوس خیارجنبر بیست مثقال
دران حل کنند و قند سفید ثمن اضافه کنند و باز دو سه جوش
بدهند و مغز تخم خیارین و مغز باذام شیرین از هر یک پنج درم
مغز بهدانه سه درم باقلا سفید کرده ده مثقال خیار سه درم
گل خطمی پنج درم حلیمو سه درم کوفته وبیخته بذان بسرشند

وبیست مثقال روغن باذام شیرین اضافه کنند **لعوق**
خشخاش سوذمند بوذ نزله و ریشهای شش و خون رفتن
آن و سرفه گرم مفید بوذ **صنعته** بستانند صد عدد خشخا ش
بزرگ و دانه آن بیرون آورده و در پنج رطل آب بجوشانند
یک شبانروز و بجوشانند تا باز ثمه آیذ و در دست بمالند و صافی
کنند و هر یک من آب خشخاش را ثمن قند صافی کرده و ثمن
مثلث برسر آن کنند و بجوشانند تا بقوام آیذ و فرو گیرند
وصمغ عربی و کثیرا و نشاسته از هر یک پنج درم کوفته و بیخته
بذان بسرشند واستعمال کنند **لعوق رب السوس** سوذمند بوذ
فضول لزج که در سینه جمع شده باشذ و مفید بوذ **صنعته**
رب السوس و کثیرا و مغز باذام تلخ مقشر و تخم رازیانه از هر یک
جزوی کوفته و بیخته با عسل کف گرفته بسرشند و روغن باذام
اضافه کنند شربتی یک مثقال تا دو مثقال بطبیخ زوفا بیاشامند
که نافع بوذ و مجرب **الباب الرابع السفوفات**
سفوف حب الرمان سوذمند بوذ اسهالی که از ضعف :

معده ورود بوذ و قوة ان بدهذ **صنعته** انار دانه ترش
و شیرین بریان کرده بیست درم تخم مورد و بلوط و سماق
و زیره کرمانی بسرکه خیسانیده یک شبانروز و بعد از ان خشک
کرده بریان کرده و بست کنار و بست سنجد و کشنیز بریان
کرده و خرنوب شامی از هر یک ده درم سک دعوة صبرا مل
از هر یک یک مثقال کوفته سفوف سازد شربتی از پنج درم یا پنج
مثقال و مجموع سفوفات را قوة تا دو ماه باقی است بعد از ان
ضعیف می شوذ **نسخه دیگر از این سفوف** انار دانه بریان کرده
ده مثقال زیره کرمانی مدبر بسرکه و خرنوب منقی و سماق
بی دانه و حب الاس و بست کنار و شاهبلوط و کشنیز بریان
کرده و فرط از هر یک پنج درم کوفته وبیخته سفوف سازد شربتی
پنج مثقال نافع بوذ و از موده **سفوف مقلیاثا** سوذمند
بوذ اسهال کهن و ... ضعف معده و بواسیر تا بغایت نافع
بوذ **صنعته** حب الرشاد بریان کرده یک چهار یک زیره
کرمانی بسرکه خیسانیده خشک کرده بریان کرده بیست مثقال

بزرکتان و بزر کراث و هلیله سیاه از هر یک ده مثقال مصطکی
پنج درم هلیله سیاه در روغن زیت بریان کنند و داروها
کوفته و بیخته بغیر حب الرشاد که آن نیم کوفته باشذ و بعضی
هلیله کابلی در روغن زیت بریان کرده اضافه می کنند
شربتی یک مثقال تا دو مثقال برسر آب سرد ریزد و باز خورد
که نافع بوذ و مجرب **سفوف الطین** که آنرا سفوف نشاسته
خوانند سوذمند بوذ سحج را و اسهال مراری و بغایت نافع است
صنعته بنکو و تخم ریحان و تخم سرو و نشاسته و تخم حماض و صمغ
عربی و گل ارمنی و طباشیر و نشاسته و تخم حماض نیم کوفته کنند
و خلط کنند و باید که مجموع بریان کرده بوذ بغیر از طباشیر
و گل ارمنی که آنرا احتیاج نیست و بگلاب تر کنند و بروغن چرب
کنند شربتی سه درم تا پنج مثقال فرو برد و اگر برب به یا رب
مورد خورند شاید و بعضی بارتنگ اضافه می کنند **نسخه دیگر**
از این سفوف بنکو و تخم سرو و تخم ریحان و نشاسته و صمغ عربی
و طین ارمنی از هر یک ده درم صمغ و طین و نشاسته نیم کوفته کنند :

وتخمها اندکی بریان کنند وباهم بیامیزند واستعمال کنند که بغایت
نافع است سفوف خرنوب سودمند بود جهت اسهال و
استرخاء معده مجربست صنعته خرنوب سطلی بی دانه
وزیره کرمانی مدبر ببرکه چنانچه در سمت وسماق وبست کنار
وحب الآس وبلوط وکشنیز خشک بریان کرده وصمغ طلی از
هریک مساوی کوفته وبیخته شربتی یک مثقال تا دو درم با رب
مورد بسرشند ولعق کنند سفوف انبرباریس سودمند بود ضعف
معده را وقوة وی بدهد وشکم به بندد وبغایت نافع بود صنعه
آن نانخواه وسماق وزنجبیل وانار دانه ترش بریان کرده
وزرشک بی دانه وبست کنار از هریک دو درم قند سفید بیست
درم مجموع کوفته وبیخته استعمال نمایند سفوف سماق سودمند
بود جهة اطلاق صنعته سماق ده درم تخم مورد و انار
دانه ترش بریان کرده از هریک پنج درم خرنوب سطلی سی درم
استعمال کنند سفوف بلوط شکم به بندد شاهلوط وبلوط وصمغ
العربی از هریک ده درم کوفته وبیخته شربتی سه مثقال استعمال

کنند سفوف بزور سودمند بود جهت بادها ونفخ که در معده
بود صنعته کرویا وانیسون وزیره کرمانی وتخم کرفس
ودارچینی وقرنفل ونانخواه از هریک دو درم قرنفل وزنجبیل و دار
فلفل از هریک نیم درم قند سفید بیست مثقال کوفته وبیخته شربتی
دو درم استعمال کنند سفوف هلیله خاص مسهل ونقرس ومفاصل
وعرق النسا است ومجربست صنعته سورنجان مصری هفت
درم پوست هلیله زرد هفت مثقال سنا مکی ده مثقال بوزیدان
سه درم ورق گل سرخ پنج درم پوست بیخ کبر سه مثقال ورق
حنا سه درم زعفران یک درم مغز باذام مقشر سه درم قند سفید
شصت درم سقمونیا مشوی یک مثقال مجموع کوفته وبیخته بغایت
سحق کرده شربتی دو مثقال بر سر آب سرد بار کنند وباز خورند
وبعضی سقمونیا نمی کنند سفوف سورنجان این مسهل هم جهت
مفاصل ونقرس وعرق النسا بغایت نافع وسودمند بود
صنعته سورنجان مصری ده درم سنا مکی هفت درم مغز
باذام مقشر سه درم پوست هلیله زرد سه درم زعفران نیم درم :

قند سفید نیم درم سقمونیا بیست درم ومرکب باید که دانند که چون
ماده بلغمی بود تربد عوض سقمونیا کنند پنج درم شربتی دو مثقال
باب سرد نافع بود نسخه دیگر سورنجان مصری ده مثقال
سنا مکی پنج مثقال تربد سفید مجوف پنج درم مغز باذام سفید کرده
سه درم الوج سفید سی درم زعفران یک درم سقمونیا مشوی دو درم
شربتی دو مثقال بر سر آب سرد ودر بعضی نسخه مغز باذام سی درم
میکنند نسخه دیگر واین نسخه جهت ماده صفراوی سودمند
بود صنعته سورنجان مصری ده درم قند سفید ده درم زعفران
نیم درم سقمونیا مشوی نیم درم واین دو نسخه مستعمل دار الشفای
شیراز بوده است نسخه دیگر سورنجان ده درم زعفران دانگی
کوفته وبیخته شربتی یک درم بر سر آب سرد کنند وباز خورند سفوف
الورد سودمند بود جهت کسانی که مدقوق باشند
صنعته طباشیر ورق گل سرخ از هریک پنج درم گل ارمنی
وصمغ عربی از هریک دو درم عصاره زرشک وکرد سماق از هریک
سه درم جلنار یک درم تخم مقد مکی یک درم تخم کشنیز خشک بریان

کرده دو درم کوفته وبیخته شربتی یک مثقال مفید بود سفوف
السرطان جهت مسلول بغایت نافع بود صنعته
سرطان نهری سوخته ده درم طین موسی وصمغ عربی و
خشخاش سفید وسیاه ومغز تخم خربزه از هریک پنج درم کوفته
وبیخته استعمال کنند واین سفوف مسلول را بغایت نافع بود وباید
که سرطان بخاکستر چوب رز شسته باشند وبعد ازان سوخته کنند
وبعضی بعوض تخم خربزه کثیرا سه درم می کنند سفوف یقطع الدیدان
جهت کرمها که دفع کنند بغایت مفید بود ومجرب صنعته
ترمس وکندش ومیویزج مصری از هریک یک مثقال نمک هندی
وافسنتین رومی از هریک دو درم کوفته وبیخته سعط سیاه وزهره
گاو بسرشند وبعد ازان سحق کرده استعمال نمایند وشربتی یک مثقال
تا دو درم نافع بود ومجرب نسخه دیگر منقول است ارمنی وترمس
وقسط تلخ وتربک کابلی مقشر وسرخس وتربد سفید
مجوف وافسنتین رومی از هریک یک درم حب النیل نیم درم نمک
هندی نیم درم مجموع کوفته وبیخته بر سر شیر یک چهار یک وشکر رخ

ده درم بعد از انکه سه روز هر بامداد شیر و شکر خورده باشد
وغذا دو نوبت نخود و شیر خسکدانه روز چهارم بیاشامد
نافع بود و معالجه کرم کدو دانه مشکل است که البته بعد از چهل
روز یا دو ماه عود می کند در آخر این کتاب شرح درد و دواء
دارو آن گفته شود و مولف این کتاب این زحمت از چند کس
دفع کرده بتوفیق الله تعالی **سفوف که سنگ از مثانه و گرده**
مغز تخم خربزه و صمغ عربی و صمغ اجاص و قلب از هر یک پنج درم
کوفته و بیخته سفوف سازد شربتی نیم درم تا یک درم **سفوف که سنگ**
از مثانه و گرده پاک کند بگیرد مغز تخم خیار بالنگ و مغز تخم کدو و مغز
تخم خیار و مغز تخم خربزه خطمی و رازیانه از هر یک قلب و صمغ
اجاص از هر یک دو درم حجر الیهود نیم کوفته و بیخته بر سر آن مطبوخ
که یاد کرده می شود بیاشامد بستانند خسک بیست درم و بجوشانند
تا بازنیمه آید و صافی کنند و هر روز ده درم با پنج درم لعاب ...
و یک مثقال سفوف و پنج درم نبات هفت روز پیاپی استعمال کنند
سفوف العود مستعمل نافع بود جهت ضعیف معده و سردی آن و اشتهای

طعام باز دید کند **صنعته** قاقله و طباشیر و اصل السوس
و ریوند و ورق گل سرخ و مصطکی و کبابه و نعناع خشک و نعناع
خشک و تخم کرفس از هر یک پنج درم عود هندی دو درم نیم قند
سفید بیست درم کوفته و بیخته استعمال نماید والله اعلم
الباب التاسع فی الحبوبات حب ایارج مستعمل
سودمند بود مرضهای سر و معده پاک کند از همه خلطها و بغایت
مفید است **صنعته** ایارج فیقرا یک مثقال تربد سفید مجوف
خراشیده بروغن بادام چرب کرده یک درم حب النیل و انیسون
و غاریقون سفید از هر یک نیم درم نمک هندی دانگی نیم تخم حنظل
دانگی کوفته و بیخته باب رازیانه تر بسرشند و حب سازد هر یک
بقدر نخودی و این یک شربتی است اگر خواهند در عسل گردانیده
فرو برند و اگر خواهند در نشاسته شکر سرخ بحنند فرو برد و هر چه
حبوب مسهل قوت آن تا دو ماه می ماند بعد از آن ضعیف شود
بهتر آن باشد که در روز ساخته باشد و در بشب بال در سایه
نگاه داشته تا سحرگاه استعمال کند **نوعی دیگر حب ایارج از کامل الصناعه**

جهة صداع بلغمی نافع بود **صنعته** تربد سفید مجوف
یک درم نیم ایارج فیقرا یک درم شحم حنظل نیم درم سقمونیا و انیسون
و عود از هر یک دانگی نمک هندی دو دانگ کوفته و بیخته با آب
بسرشند و حب سازد و این یک شربتست **نسخه دیگر حب ایارج**
از کامل الصناعه تربد سفید مجوف خراشیده دو درم ایارج فیقرا
سه درم پوست هلیله کابلی و نمک هندی از هر یک دو درم شحم
حنظل یک درم تخم کرفس نیم درم کوفته و بیخته حب سازند شربتی
دو درم تا سه درم نافع بود **حب صبر صنعته** صبر اسقوطری یک مثقال
تربد سفید مجوف خراشیده بروغن بادام چرب کرده یک درم
حب النیل و غاریقون و انیسون از هر یک نیم درم شحم حنظل و نمک
هندی از هر یک دانگی و نیم مقل و کثیرا از هر یک دانگی کوفته
و بیخته باب کرفس تر بسرشند و حب سازند و این یک شربتست
حب صبر از نسخه کامل جهت صداع بلغمی نافع بود **صنعته**
صبر اسقوطری شش درم مصطکی چهار درم تربد سفید مجوف سه
درم کوفته و بیخته حب سازند حبها بزرگ مانند نخودی شربتی

اهلیلج
و از فلفل
سه درم
زنجبیل
چهار درم
مامیران
سه درم
زعفران
دو درم
صمغ عربی
سه درم
عفص تکی
چهار درم

ده حب تا ... در وقت خواب فرو برد و این حب
را شیار خوانند ... است **حب سورنجان** صبر اسقوطری
و تربد سفید مجوف و سورنجان مصری از هر یک یک مثقال ماهی
زهره یک درم حب النیل و غاریقون از هر یک نیم درم کثیرا و
... از هر یک دانگی نمک هندی دانگی و نیم کوفته و بیخته باب
کرفس تر بسرشند و حب سازند و این یک شربت است **حب**
بنفشه جهت درد چشم و سر و شقیقه سودمند بود و دماغ
را پاک گرداند و جهة درد گوش نافع بود **صنعته** بنفشه
خشک دو درم تربد سفید مجوف خراشیده بروغن بادام چرب کرده
یک درم رب السوس و پوست هلیله زرد و انیسون از هر یک نیم درم
سقمونیا مشوی نیم دانگ کوفته و بیخته باب خالص بسرشند و حب سازند
و این یک شربتست **حب شبیار** سودمند بود جهت درد
معده و سر **صنعته** صبر اسقوطری سه درم پوست هلیله
زرد و ورق گل سرخ و تربد سفید مجوف خراشیده بروغن بادام چرب
کرده و مصطکی از هر یک یک درم کوفته و بیخته بسرشد و حب سازد

ودر سایه نگاه دارند تا خشک شوذ شربتی یک مثقال تا سه درم
در وقت خواب فرو برذ و بخفتذ حب هلیله سیاه
و بوست هلیله زرد و آمله مقشر و بوست بلیله از هر یک یک درم
مقل چهار درم مقل را در آب کنند تا خوب سا ییده شوذ و بعد از آن
در هاون کنند و بسا یند تا مقل حل شوذ و داروها کوفته و بیخته
بدان بسرشند و حب سازند شربتی دو درم حب شبیار
صبر اسقوطری سه درم بوست هلیله زرد دو ورق گل سرخ و تربد
سفید مجوف خراشیده با روغن باذام چرب کرده و مصطکی از
هر یک یک درم سقمونیا نیم درم کثیرا نیم درم کوفته و بیخته بسرشند
و حب سازند و در سایه خشک کنند شربتی یک مثقال در وقت
خواب فرو برد و بخفتد حب شبیار نسخه صاحب کامل که آنرا حب صنوبر
خوانند بلغمی که در معده جمع شده باشد دفع کند صنعته
هلیله کابلی و تربد سفید مجوف از هر یک پنج درم ورق گل سرخ
چهار درم مصطکی دو درم صبر اسقوطری ده درم کوفته و بیخته
با آب بسرشند و حب سازند شربتی یک مثقال در وقت خواب

۱۶ اسهال

حب منتن سودمند بوذ فالج و لقوه و قولنج و درد مفاصل
که از سردی بوذ و باذهای غلیظ و در اعصاب و استرخاء آن و درد
پشت و ادرار بول و حیض نافع است صنعته اشق و سکبینج
و جاوشیر و مقل و حرمل و شحم حنظل و صبر اسقوطری و تربد سفید
مجوف خراشیده و بوست هلیله زرد و انزروت اجزا متساوی کوفته و بیخته
صمغها در آب کنند تا خوب سا ییده و حل کرده کوفته داروها بدان بسرشند
و حب سازند شربتی از دو درم تا دو مثقال شاید و قوت این تا دو ماه
می ماند حب منتن نسخه کامل جهت فالج و استرخا نافع بوذ صنعته
سکبینج و اشق و جاوشیر و مقل و حرمل و شحم حنظل از هر یک سه درم
صبر اسقوطری و تربد سفید مجوف از هر یک پنج درم فرفیون و حب
السمنه از هر یک یک درم ادویه خشک کوفته و بیخته و صموغ با آب
کنند تا حل کرده شوذ بسرشند و حب سازند شربتی سه درم با آب
گرم نوعی دیگر از نسخه کامل هلیله کابلی پنج درم سکبینج و اشق و جاو
شیر و حرمل و صبر از هر یک چهار درم مقل ازرق و شحم حنظل و حنا
مکی و عنزروت از هر یک دو درم فرفیون و حب السمنه و سقمونیا

ازهر یک نیم درم زعفران و قرنفل از هر یک دو دانگ بهمان
طریقه بسازند شربتی سه درم حب غاریقون افتیمون
و صبر از هر یک شش درم غاریقون چهار درم سقمونیا مشوی یک درم
انیسون و فطراسالیون و ساسالیوس و تخم کرفس و دوقو از هر یک
دو درم کوفته و بیخته حب سازند شربتی از دو درم تا سه درم سدها
بگشاید و استسقا را سودمند بوذ و بیماریهای جگر را سود دارد
نوعی دیگر نسخه صاحب ذخیره سدها بگشاید و خداوند استسقا و بیماریها
جگر سودمند بوذ صنعته غاریقون پنج درم مرنج درم
تربد سفید پنج درم ایرسا سه درم ایان پنج درم فراسیون سه درم
شحم حنظل دو درم انیسون یک درم انزروت دو درم سقمونیا
مشوی یک درم کوفته و بیخته حب سازند شربتی دو درم و قوت
این تا شش ماه است حب اصطمخیقون المختار سودمند بوذ مرضهای
که از بلغم غلیظ لزج و سودا بوذ و بدن را پاک کند از خلطهای مختلف
صنعته ایارج فیقرا ده درم بوست هلیله زرد و افتیمون
افریطی و غاریقون و بسفایج فستقی و نمک هندی از هر یک دو درم

تربد سفید مجوف خراشیده بروغن باذام چرب کرده ده درم
شحم حنظل و سقمونیا مشوی از هر یک دو درم مقل ازرق
شش درم ادویها کوفته و بیخته مقل را در آب که انیسون در وی
خیسانیده باشند خیسانند و حل کنند و داروها بدان بسرشند
و حب سازند شربتی سه درم نافع بوذ حب اصطمخیقون نسخه دیگر
حب بلسان و عود بلسان و سلیخه و سنبل الطیب و اسارون و دار
چینی و زعفران و مصطکی و بیخ اذخر و وج و عصاره افسنتین
و زراوند و نمک هندی از هر یک یک درم صبر اسقوطری پنجاه
درم سقمونیا مشوی و غاریقون سفید و شحم حنظل از هر یک سه
درم افتیمون افریطی و بسفایج فستقی از هر یک شش درم کوفته
و بیخته حب سازند و در ظرفی آبگینه نگاه دارند بعد از آنکه در
سایه خشک کرده باشند شربتی دو درم و نیم نافع بوذ حب مدکور
نسخه دیگر تربد سفید مجوف خراشیده بروغن باذام چرب
کرده دو درم صبر اسقوطری و حب النیل از هر یک یک درم
شحم حنظل و سقمونیا از هر یک دو درم کوفته و بیخته با آب کرفس

بسرشند و حب سازند شربتی یک درم حب قوقونا مستعمل
واین حب نسخهٔ جالینوس است سود مند بود درد سر که از
بلغم بود و چشم روشن کند و خلطهای غلیظ لزج از بدن پاک کند
صنعته صبر اسقوطری و عصاره افسنتین از هر یک
دو درم سقمونیا مشوی و شحم حنظل از هر یک یک درم کوفته
و بیخته باب کرفس بسرشند و حب سازند شربتی یک مثقال
و بعضی درین نسخه عصاره افسنتین و اسارون از هر دو یکی
میکنند نسخه دیگر از حب قوقونا مصطکی و عصاره افسنتین و شحم
حنظل و صبر اسقوطری و سقمونیا مشوی از هر یک یک کوفته و بیخته
باب خالص بسرشند و حب سازند شربتی از یک مثقال تا دو درم
و نیم استعمال کنند بحسب مزاج حب سکبینج مستعمل سود مند بود
قولنج را و درد رودها و بواسیر و باد های غلیظ دفع کند و حیض
براند صنعته صبر اسقوطری و سکبینج و تخم کرفس و انزروت
و پوست هلیله زرد از هر یک دو درم نیم تربد سفید مجوف خراشیده
ده درم شحم حنظل یک درم و نیم مجموع کوفته و بیخته حب سازند

شربتی سه درم و اگر باب رازیانه تر بسرشند نیکوتر و بعضی درین
نسخه صبر را غرق کنند و خشک کرده استعمال نمایند حب اشطوخودوس مستعمل
تربد سفید مجوف خراشیده بروغن بادام چرب کرده ده درم صبر
اسقوطری بیست درم زنجبیل و خردل سفید و ملح هندی و دو ح
و شیطرج هندی از هر یک دو درم دارفلفل و عاقرقرحا از هر یک
یک درم فانیذ سجزی چهار درم کوفته و بیخته باب کنند یا باب گرم
بسرشند و حب سازند شربتی سه درم سود مند بود
درد مفاصل و اعصاب و فالج و لقوه و حیض براند و بغایت
مفیدست حب شاهترج از کامل جهة جرب بغایت سود مند و
مفید است صنعته هلیله زرد کابلی و سیاه از هر یک پنج درم
صبر اسقوطری هفت درم سقمونیا سه درم کوفته و بیخته باب
شاهترج خیسانند و در هاون کنند و بسایند و چون خشک شود
دیگر بار مکرر کنند تا چهار نوبة بعد از ان سحق کنند و حب سازند
مانند نخودی و خشک کنند شربتی از یک درم تا یک مثقال نافع بود
حب عافت سود مند بود تبها بلغمی کهن صنعته

صبر اسقوطری و پوست هلیله زرد و غاریقون و عصاره عافت
یا گل عافت از هر یک مساوی کوفته و بیخته باب کرفس
یا باب خالص بسرشند و حب سازند شربتی سه درم و در عقب
آب گرم باز خورد نافع بود حب اسطوخودوس پوست هلیله
کابلی و پوست هلیله زرد از هر یک پنج درم تربد سفید مجوف
هفت درم نیم صبر اسقوطری شش درم اسطوخودوس و
غاریقون و افتیمون و بسفایج از هر یک سه درم شحم حنظل یک درم نیم
قرنفل و بوزیدان از هر یک یک درم کوفته و بیخته باب خالص بسرشند
و حب سازند شربتی چهار درم نسخه دیگر از کامل الصناعة
جهت صداع سوداوی سود مند بود صنعته هلیله کابلی
و سیاه و زرد و صبر اسقوطری و بسفایج از هر یک سه درم غاریقون
چهار درم افتیمون اقریطی اسطوخودوس از هر یک پنج درم شحم
حنظل دو درم نیم خربق اسود دو درم مجموع کوفته و بیخته باب
بالنکو بسرشند و حب سازند شربتی دو درم نیم تا سه درم بقدر
قوت استعمال کنند حب الذهب سود مند بود جهة

درد سر و چشم را روشن کند و بدن را از اخلاط پاک کند صنعته
صبر اسقوطری بیست درم پوست هلیله زرد ده درم مصطکی
و کثیرا و سقمونیا و زعفران از هر یک سه درم و رق گل سرخ
پنج درم کوفته و بیخته باب خالص بسرشند و حبها بزرگ
سازند و در سایه خشک کنند شربتی دو درم نافع بود تا دو
درم نیم حب البنفسج سود مند بود جهة درد چشم
و درد سر و شقیقه و تنقیه دماغ بکند صنعته بنفشه خشک
دو درم تربد سفید مجوف خراشیده بروغن بادام چرب کرده
یک درم رب السوس و پوست هلیله زرد و انیسون از هر
یک نیم درم و رق گل سرخ و سقمونیا از هر یک دانگی کوفته
و بیخته باب خالص بسرشند و حب سازند و این یک شربت است
حب المسک سنبل الطیب یک درم مرمکی و قرنفل
و نارمشک و کبابه و قرفه و بسباسه و قلقل و خولنجان و سعد
کوفی از هر یک یک درم مشک ترکی نیم درم باب و گلاب و صمغ
حب سازند بوی دهن خوش کنند و قوة دل

بدهد **نوعی دیگر از حب المسک** سنبل الطیب ... قرنفل یک درم
نارمشک و فرنجمشک و کبابه و جوز الطیب ... و قاقله
و خولنجان و بادرنبویه شهری و زرنباد از هریک نیم درم فوفل
و ساذج هندی و سعد کوفی و پوست بریخ و قرفه از هر یک
یک درم مسک ترکی دانگی بگلاب و آب به و قند نخ صمغ عربی
بسرشند و حب سازند و در سایه خشک کنند و در شیشه آبگینه
نگاه دارند و بوقت حاجت استعمال کنند **حب السعال**
سرفه بلغمی را بغایت سودمند بوذ **صنعته** رب السوس
و کثیرا از هر یک سه درم نشاسته و کثیرا و صمغ عربی و مغز
دانه کدو از هر یک یک درم نبات مصری نیم وزن داروها
کوفته و بیخته بلعاب بهدانه بسرشند و حب سازند **نسخه
دیگر** و این حب جهت سرفه حار مفید افتد **صنعته**
مغز بادام سفید کرده و مغز تخم خیارین و نشاسته و صمغ عربی
و خشخاش سفید از هر یک یک درم رب السوس دو درم باقلا
مقشر سه درم کوفته و بیخته بلعاب بنکو بسرشند و حب سازند

[illegible]

و استعمال کنند **... حب السعال** و این حب جهت سرفه بارد
مفید افتد **صنعته** پوست بیخ رازیانه و تخم کرفس و رب
سوس و برسیاوشان و مغز بادام تلخ کوفته و بیخته باب خالص
بسرشند و حب سازند و استعمال نمایند **نسخه دیگر** که جهت
سرفه رطب سودمند بوذ **صنعته** فلفل و نبات مصری
ساوی کوفته و بیخته حب سازند **نسخه دیگر** تیغال و نشاسته
و کثیرا از هر یک سه درم خشخاش و رب السوس و به دانه از هر یک
چهار درم مغز بادام سفید کرده ده درم کوفته و بیخته بلعاب
بنکو بسرشند و حب سازند **نوعی دیگر** حلیوسه درم بیخ کاوزبان
یک درم کوفته و بیخته با چهار درم نبات مصری بسرشند و حب
سازند و استعمال کنند و اگر بعوض بیخ کاوزبان تخم کاوزبان کنند
شاید **حب ممسک** شکم به بندذ و قطع اختلاف دم بکند **صنعته**
سماق دو درم عفص یک درم تشور زبان نیم درم حب الآس
ده درم دانه مویز سه درم کوفته و بیخته بآبی که بآن صمغ
عربی حل کرده باشند بسرشند و حب سازند شربتی دو درم

مادب ... ورد با به استعمال کنند **حب کرم محالمعی دافع دیدان** و این حب جالینوس
است و مفید **صنعته** مغز دماغ کنجشک نر که در وقت هیجان
کرفته باشند و شقاقل مصری و تخم پیاز سفید و کشنیز خرما اجزا
ساوی کوفته و بیخته بسرشند و هر زمان که خواهند یک سه حب
ازین در شراب حل کنند و بیاشامند نعوظی تام حاصل شوذ

الباب العاشر فی الاقراص قرص اندروخوز

این نسخه ازان حسن بن اسحق شیرازی است اختیار نسخها است
و این قرص زادویه باک فاروق است **صنعته** دارشیشعان
و اسارون از هر یک شش مثقال تفاح اذخر دوازده مثقال عود
بلسان و قصب الذریره از هر یک شش مثقال دارچینی بیست
و چهار مثقال سلیخه شش مثقال اقحوان سفته بیست مثقال
مصطکی شش مثقال زعفران دوازده مثقال مجموع کوفته و بیخته
بشراب ریحانی صافی بسرشند یا بماء العسل و در قرص ساختن
دست بروغن بلسان چرب کنند بعد ازان در سایه خشک کرده
و این قرص را قوة تا دو سال باقی است بعد ازان ضعیف شوذ

نسخه دیگر از کامل دارشیشعان و مصطکی و سلیخه و قصب
الذریره و اسارون و عیدان بلسان از هر یک شش مثقال کوفته
و بیخته مثلث بسرشند با شراب مویزی و دست بروغن
بلسان چرب کنند و قرص سازذ هر یک بوزن یک مثقال و این
هر دو نسخه ازادویه فاروق است و قوة این هم تا دو سال
باقی است **قرص اندروخوز** که در تریاق عروس می رود نانخواه سفید
و سرخ و سماق و مرو انیسون و قصب الذریره و عیدان بلسان
از هر دو مساوی کوفته و بیخته و مثلث بسرشته و سه روز هر روز
یکبار بسرشذ و بعد ازان بقرص سازذ و بعد ازان در ظرفی آبگینه
نگاه دارذ و قوت این قرص تا دو سال می ماند **قرص الافاعی که در تریاق
فاروق مستعمل** و این قرص بعد از دو ماه استعمال کنند و قوت
این تا دو سال باقیست **صنعته** بگیرذ افعی اشقر جوان ماده
و نشان نری و ماذکی آنست که نر را دو قلاب باشذ و ماده را
چهار قلاب و هر دو قلاب در یک غلاف بوذ و نشان افعی
آن بوذ که سر وی پهن بوذ و چشم وی سرخ بوذ و کشیده

وشکم وی صلب بوذ ونشان جوانی وی آن بوذ که سریع الحرکة
بوذ ودر رفتن پیش روی مانند چهار انکشت از زمین برداشته
بوذ وباید که در موسم بهار چون آفتاب بحمل آید ویرا بکیرد
وتا ثور شاید لکن چون آفتاب بجوزا رسید نشاید وچون
بکیرند باید که هم دران زمان تا دو زویرا بکشند که اکر رها
کنند حدت سمیت وی زیاده شوذ وکشتن وی جنانست که سر
ودنبال برهم نهذ ویک ضرب سر ودنبال وی مانند چهار
انکشت جدا کنذ چنانکه تیشه تیز بروی نهند وبتکی محکم بر تیشه
زنند یا چوبی محکم چنانکه قطعا هیچ پوست بروی نماند بعد ازان
پوست ازوی بکشذ والات شکم آن بیندازند وچند نوبت بشویند
باب شیرین واکر با خاکستر یک بار بشویذ بهتر باشذ وشاید
وبعد ازانک باک شسته باشند در دیک سفالین یا مسین کنذ قلع
داذه واب بر سر آن کنذ چندان که کفایة بوذ وچوب شبت
چند شاخ دراندازذ وتمک وبجوشانند واکر نخودی چند دراندازذ
شاید ونخود باید که مهل شوذ بعد ازان فرو کیرذ واز دیک

بیرون آورذ واستخوان ازوی جدا کنذ وکوشت وی بکوبند کوفتنی
بغایت وبوزن آن نان خشک کوفته اضافه کنذ ودیکر بکوبند
نیک بعد ازان اکر خشک صفت بوذ قدری آب ازان که دروی
جوشیده است اضافه کنذ بعد ازان قرص سازذ قرصهای تنک
مثال ناخن بزرک وباید که دست بروغن بلسان چرب کنند
دروقت قرص ساختن ودر پشت غربال درسایه نکاه دارذ تا
خشک شوذ وباید که قطعا اثر نم دروی نمانده باشذ برداردذ
ودر ظرفی آبکینه نکاه دارذ وبعد ازان استعمال نمایذ قرص اسقیل که هم
در تریاق فاروق مستعمل بستانند پیاز عنصل کوچک ودر خمیر کیرذ
ودر تنور نهذ تا پخته شوذ وبعد ازان بکیرذ مغز آن که بغایت
نرم باشذ پس در هاون بسایذ وبوزن آن آرد کرسنه که
روستاییان شیراز آنرا کسنک خوانند اضافه کنذ وقدری شراب
بران کنذ وسرشته کنذ ودست بروغن کل چرب کنذ وقرص
سازذ وبعد از دو ماه استعمال نمایذ وقوت این تا دو سال باقی
است ومجربست قرص الملک المستعمل واین قرص در معاجین

بزرک مستعمل است صنعته لوفی ده درم لک منقی بیست درم
بکوبند وبه بیزذ وبمثلث بسرشند وقرص سازذ ودر ظرفی
آبکینه نکاه دارذ وقوت این قرص شش ماه باقی است قرص فوفیون
که در معروده نطوس مستعمل است وآنرا قرص توسون خوانند صنعته
بیوبیز طایفنی لی دانه چهار درم علک البطم بیست وچهار درم
مرصافی وادخر از هر یک دوازده درم دارچینی ومقل ازرق
والاهار الطیب وسلیخه وسنبل رومی واکلیل الملک وسعد
وحب الغار از هر یک سه درم قصب الذریره نه درم زعفران
یک درم بعر البهود دو درم نیم انچه کوفتنی باشذ بکوبند وانچه
منقوع کردنی باشذ منقوع کنند وبا مثلث وبا سه وزن آن عسل
کف کرفته بسرشند وبعضی از اطبا مثلث تنها می سرشند وقرص
می سازند ودر سایه خشک کنند واستعمال نمایند قرص طباشیر مستعمل
سوذمند بوذ تبهاء ملتهب صفراوی ودموی وتشنکی ساکن وسرفه
وخشونة ساکن را بغایت نافع بوذ صنعته طباشیر سفید
چهار درم ترنجبین سه درم مغز تخم خیارین ومغز تخم خیار بالنکو

ومغز تخم کدو از هر یک دو مثقال نشاسته وصمغ عربی وکثیرا
وخشخاش سفید از هر یک یک درم کوفته وبیخته بلعاب بنکو
بسرشند وقرص سازند شربتی یک مثقال نافع بوذ قرص طباشیر مستعمل طبری
سبحه دار الشفا طباشیر چهار درم ترنجبین پنج درم مغز تخم کدو
وصمغ عربی از هر یک سه درم کثیرا وخشخاش از هر یک دو درم
کوفته وبیخته بلعاب بنکو بسرشند وقوت این هم تا شش ماه باقی
است شربتی یک مثقال قرص طباشیر بطریق نادر منهاج صنعته ورق کل سرخ وترنجبین
از هر یک پنج درم نشاسته دو درم زعفران یک درم صمغ عربی
وطباشیر از هر یک دو درم کوفته وبیخته ترنجبین بکذاز ند
ودارو هابدان بسرشند وقرص سازند واستعمال کنند وقوت
این قرص تا دو سال باقی می ماند قرص طباشیر معتدل
سوذمند بوذ تبها تیز ورفتن خون از شکم نافع بوذ صنعته
ورق کل سرخ شش درم صمغ عربی ونشاسته وکثیرا از هر یک
چهار درم تخم حماض وطباشیر سفید از هر یک سه درم کوفته
وبیخته بلعاب بنکو بسرشند وقرص سازذ شربتی یک مثقال نافع بوذ

قرص طباشیر معتدل نسخه حکیم ابو البرکات زرشک بی دانه وطباشیر
سفید و ورق گل سرخ از هر یک سه درم مغز تخم خیار بالنگ
ومغز دانه کدو و تخم تورک و تخم کاهو وصندل مقاصری از هر
یک یک درم کافور دانگی مجموع کوفته وبیخته بلعاب بنکو بسرشند
وقرص سازند شربتی یک مثقال وقوة این قرص تا ششماه می ماند
قرص طباشیر ممسک سودمند بوذ جهت اسهال صفراوی ودموی
ونافع بوذ صنعته صمغ عربی ده درم تخم حماض ده درم نشاسته
ده درم ورق گل سرخ پانزده درم سماق وزرشک بی دانه از هر
یک هفت درم مجموع بریان کرده طباشیر هفت درم گل ارمنی
ده درم کوفته وبیخته بگلاب قرص سازند وقوة این تا ششماه
باقی می ماند شربتی یک مثقال نافع بوذ قرص کهربا نسخه صاحب
منهاج مستعمل پولوز خاصیت وی آنست که رفتن خون از
شکم باز دارد صنعته کهربا وبسد ومروارید ناسفته وتخم
خرفه از هر یک پنج درم سرو بزکوهی سوخته وپوست تخم مرغ سوخته
وکثیرا وصمغ عربی از هر یک سه درم کشنیز بریان کرده وخشخاش

سفید وسیاه از هر یک شش درم ودع سوخته وبزر البنج از هر یک
دو درم کوفته وبیخته بلعاب بنکو بسرشند وقرص سازند شربتی
یک مثقال بوذ وقوة این تا شش ماه باقی باشد نوعی دیگر قرص
کهربا نسخه دار الشفا مروارید ناسفته وبسد سوخته وکهربا
سوخته وشادنج شسته وودع سوخته وکشنیز بریان کرده وصمغ
عربی بریان کرده وسماق بریان کرده از هر یک ده درم عصاره
لحیة التیس واقاقیا مصری وطباشیر سفید از هر یک چهار درم
کوفته وبیخته با آب لسان الحمل یا به آب جلنار بسرشند وقرص
سازند شربتی یک مثقال وقوة این تا ششماه بماند قرص طباشیر
کافوری مستعمل سودمند بوذ جهت تبهاء محرق ودق وتشنگی بنشاند
وسعال زایل کند صنعته طباشیر سفید و ورق گل سرخ
وصندل مقاصری ومغز تخم خیارزه ومغز تخم خیار بالنگ وتخم کاشنی
وتخم کاهو وتخم تورک از هر یک چهار مثقال کافور یک درم کوفته
وبیخته بلعاب بنکو بسرشد شربتی یک مثقال وقوة این هم تا ششماه
می ماند نوعی دیگر از نسخه دار الشفا تخم حماض بریان کرده

گل مختوم وصمغ عربی وسورد دانه بریان کرده از هر یک ده درم
زرشک بی دانه وطباشیر سفید و ورق گل سرخ از هر یک بیست
درم نشاسته بریان کرده پنج درم بلوط چهار درم زعفران سه درم
کهربا سه درم بسد سه درم کافور نیم درم کوفته وبیخته بگلاب
بسرشند وقرص سازند شربتی یک مثقال وقوة این هم تا ششماه
می ماند نوعی دیگر نسخه صاحب کامل خشخاش سفید ومغز تخم
کدو وتخم تورک ومغز تخم خیارزه ومغز به دانه بریان کرده هم
از هر یک سه درم نشاسته دو درم ورق گل سرخ پنج درم کافور
یک درم کوفته وبیخته بلعاب بنکو بسرشند وقرص سازند شربتی
یک مثقال با آب سیب وآب به وآب مورد نافع بوذ قرص گلنار
مستعمل خاصیت وی آنست که خون رفتن از شکم باز
دارد صنعته سلیخه رومی وگل ارمنی وصمغ عربی از هر یک
چهار درم ورق گل سرخ وگلنار واقاقیا از هر یک سه درم کثیرا
دو درم کوفته وبیخته با آب گلنار بسرشند وقرص سازند شربتی یک مثقال
وقوة این هم تا ششماه باقی می ماند قرص الحماض مستعمل جهت سحج بغایت

بغایت

بغایت سودمند بوذ صنعته عرق الاخبار چهار درم ورق
گل سرخ وصمغ عربی وکهربا از هر یک سه درم نشاسته وگل
ارمنی وبسد وطباشیر ورب السوس وگلنار از هر یک دو درم
اقاقیا یک درم کوفته وبیخته برب مورد بسرشند وقرص سازند
شربتی یک مثقال وقوت این قرص هم تا ششماه می ماند قرص
کافور مستعمل طباشیر سفید ده درم رب السوس دو درم تخم کاهو
سه درم تخم تورک پانزده درم ورق گل سرخ پنج درم کشنیز خشک
پنج درم اقاقیا وصمغ عربی وگلنار وگل ارمنی از هر یک دو درم
کافور نیم درم کوفته وبیخته بلعاب بنکو بسرشند وقرص سازند
شربتی یک مثقال وبعد از ششماه عمل آن باطل شوذ نوعی دیگر
نسخه صاحب کامل جهت دفع تب دق بغایت نافع بوذ ومفید
صنعته مغز تخم کدو ومغز تخم خیارزه ومغز تخم خربزه ومغز
دانه به از هر یک پنج درم گل سرخ سه درم صمغ عربی وصندل
سفید ومغز تخم خربزه ونشاسته از هر یک دو درم رب السوس وطباشیر
از هر یک سه درم رازیانه یک درم کافور نیم درم یا نیم مثقال شاید

مجموع کوفته وبیخته بلعاب بنکو قرص سازند واستعمال نمایند
نوعی دیگر از قرص کافور مستعمل ورق گل سرخ شش درم صمغ عربی
وطباشیر از هریک چهار درم مغز کدو دانه ومغز تخم خیار
بالنگ وتخم تورک وبیخ مهک خراشیده از هریک بیست درم نشاسته
سه درم زعفران دو درم کافور نیم درم کوفته وبیخته بلعاب
بنکو بسرشند وقرص سازند واستعمال نمایند نوعی دیگر از قرص گلنار
از نسخه صاحب منهاج سودمند بوذ تبهای ملتهب محرق وآتشکی
ساکن گرداند وتب دق زایل کند ولهیب معده وجگر وقذف
دم ساکن کرده اند صنعته طباشیر سفید چهار درم ورق گل
سرخ هفت درم عود هندی دو درم کافور وزعفران از هریک
یک درم کوفته وبیخته بگلاب ولعاب بنکو بسرشند شربتی
یک درم تا یک مثقال استعمال نمایند وتا شش ماه قوة این قرص
می ماند قرص زرشک بزرگ سودمند بوذ تبها بلغمی وتبهای
کهنه وورم جگر ومعده صنعته عصاره زرشک ومغز تخم
خربزه ومغز تخم خیارین از هریک سه درم ورق گل سرخ وترنجبین

از هریک شش درم تخم کشوث ورب السوس وطباشیر
وتخم کاشنی ومصطکی وسنبل الطیب وعصاره غافت از
هریک دو درم نوره ولک منقی وریوند چینی از هریک دو
درم زعفران یک درم کوفته وبیخته بآب ترنجبین قرص
سازند شربتی یک مثقال وقوة آن تا شش ماه می ماند قرص
زرشک صغیر زرشک بی دانه پنجاه درم تخم کاشنی وتخم
تورک ومغز تخم خیار بالنگ از هریک سه درم ورق گل سرخ
پنج درم ریوند چینی وسنبل الطیب از هریک یک درم کوفته
وبیخته بلعاب بنکو بسرشند وقرص سازند شربتی یک مثقال
وقوة آن هم تا شش ماه باقی ماند قرص بنفشه بلغم صفرا
دفع کند ودماغ را پاک گرداند وتاریکی چشم زایل کند ودرد
سر صفراوی بغایت مفید بوذ صنعته بنفشه خشک
چهار درم تربد سفید مجوف خراشیده بیست درم رب السوس
ده درم پوست هلیله زرد ده درم سقمونیا مشوی چهار درم
کوفته وبیخته شربتی دو مثقال و پنج دانک تا ده درم شکر سرخ

بایذکه در شب قرص سازند ودر پشت غربال نگاه دارند
وسطوح بحکاه در جلاب شکر سرخ حل کرده باز خورد وقوة
این قرص تا چهار ماه باقی است قرص بنفشه نسخه صاحب کامل
درد چشم ودرد شقیقه وسر زایل کند ودماغ از اخلاط پاک
کند صنعته بنفشه دو درم تربد سفید مجوف خراشیده
یک درم رب السوس نیم درم سقمونیا مشوی نیم دانگ کوفته
وبیخته قرص سازند قرص بنفشه صاحب منهاج بنفشه خشک ده درم
تربد سفید مجوف ورب السوس از هریک پنج درم کوفته
وبیخته قرص سازند شربتی سه درم تا ده درم شکر سرخ
قرص گل مسهل صفرا وبلغم مفید بوذ
جهة درد معده وتبهای بلغمی بغایت سودمند بوذ صنعته
ورق گل سرخ هفت درم عصاره غافت وطباشیر وسنبل
الطیب از هریک یک درم وقوة این هم تا شش ماه باقی است
قرص گل نسخه منهاج ورق گل سرخ شش درم اصل السوس
چهار درم سنبل الطیب یک درم واگر جهت شطر الغب بوذ

دو درم طباشیر چهار درم عصاره غافت اضافه ان کنند
کوفته وبیخته بمسمسح بسرشند وقرص سازند شربتی یک درم
وبعد از شش ماه قوتش ضعیف شوذ قرص ریوند مستعمل
جهت تبها کهن وصلابة جگر وسپرز وورمهای آن وددرد
آن بغایت سودمند بوذ صنعته ریوند چینی شش درم
ولک منقی وتخم کرفس وانیسون وعصاره غافت از هریک دو
درم کوفته وبیخته بآب بسرشند شربتی یک درم تا یک مثقال
وبعد از شش ماه ضعیف شوذ نوعی دیگر نسخه صاحب منهاج
ریوند چینی شش درم ولک منقی سه درم تخم کرفس وانیسون
وعصاره غافت از هریک یک درم کوفته وبیخته بسرشند وقرص
سازند شربتی یک درم تا یک مثقال وبعد از شش ماه قوة آن
ضعیف شوذ قرص کبر نسخه منهاج سودمند بوذ خاص جهت
سپرز صنعته پوست بیخ کبر چهار درم زراوند طویل
دو درم تخم سنجکشت وفلفل سیاه از هریک شش درم اشق چهار
درم

درسرکه خوابانند وحل کنند وداروها کوفته وبیخته بدان بسرشند وقرص سازذ وشربتی یک مثقال باده درم سکنجبین وقوت این قرص تا شش ماه باقی است وجهت سبرز استعمال کنند

قرص کبر نسخه دارالشفا پوست بیخ کبر چهار درم تخم بنجکشت وفلفل سیاه واسارون وزراوند طویل وابرسا ازهریک دودرم زعفران نیم درم کوفته وبیخته بسکنجبین بسرشند وقرص سازذ

قرص بنجکشت سبرز را بگذازانذ وسدد بگشایذ صنعته تخم بنجکشت وتخم کاشنی وتخم تورک ومغز دانه کدو ازهریک ساوی کوفته وبیخته بسکنجبین بسرشذ وقرص سازذ شربتی یک مثقال وبعد از شش ماه ضعیف شوذ

قرص ابرسا این سه قرص که یاد کرده شذ قرص کبر وقرص بنجکشت وابرسا خاصه جهت دفع سبرز استعمال کنند واین قرص سخت سبرز وسدد را بگذازانذ صنعته ابرسا چهار درم فلفل سفید یک درم اشق یک درم اشق را درسرکه حل کنند وداروها بذان بسرشذ شربتی یک درم تا یک مثقال وبعد از شش ماه قوتش ضعیف شوذ قرص مماشر

سودمند بوذ جهت ریشهای سینه وتب ودرد سینه ودرد مثانه زایل کنذ صنعته ورق گل سرخ وصمغ عربی از هریک چهار درم نشاسته وکثیرا ورب السوس ازهریک دودرم خشخاش سفید وسیاه ازهریک سه درم طباشیر نیم درم زعفران دانگی کوفته وبیخته باب بسرشند وقرص سازند شربتی یک مثقال وتا شش ماه قوة آن باقی ماند نسخه منهاج ادویه آن همان است که یاد کرده شذ بغیر از طباشیر که در نسخه صاحب منهاج نیست

قرص عافث منهاج سودمند تبها کهن وتب ربع وسدد بگشایذ ویرقان ودرد جگر وسبرز زایل کنذ صنعته عصاره غافث بیست درم سنبل الطیب ده درم طباشیر چهار درم کوفته وبیخته باب بسرشذ وقرص سازذ شربتی یک درم وقوة این هم تا شش ماه می ماند

قرص کاکنج منتعل مغز تخم خیار بالنگ وحب کاکنج ومغز بادام سفید کرده ورب السوس ونشاسته وصمغ عربی وکثیرا ودم الاخوین وکندر ذکر ازهریک دو درم تخم کرفس دو درم افیون مصری یکدرم کوفته وبیخته قرص سازند شربتی

یک درم تا یک مثقال وبعد از شش ماه استعمال وقوة این تا دو سال می ماند

نوعی دیگر درحه کرده ومثانه را بغایت سودمند بوذ صنعته تخم کرفس وبزر البنج وشهدانه ازهریک شش درم تخم رازیانه دو درم مغز حب صنوبر وتخم حماض ومغز بادام تلخ سفید کرده وافیون مصری ازهریک سه درم کاکنج بیست وپنج عدد مغز تخم خیار ز. دوازده درم مجموع کوفته وبیخته باب رازیانه بسرشذ وقرص سازذ شربتی یک مثقال وبعد از شش ماه استعمال کنند

قرص لک منتعل منهاج لک مسعی وفوه وانیسون وتخم کرفس وامسین رومی واسارون ومغز بادام تلخ وقسط ودارچینی وزراوند طویل وعصاره غافث ازهریک پنج درم کوفته وبیخته قرص سازند وقوة آن بعد از شش ماه ضعیف شوذ وباید که لک مغسول باشذ

قرص جگر سودمند بوذ جهت ضعف جگر

قرص حلتیت از منهاج سودمند بوذ جهت سردی معده تب ربع صنعته مر وحلتیت طیب وفلفل وسداب خشک ازهریک ده درم کوفته وبیخته بسرشذ وقرص سازذ وقوة این تا شش ماه

می ماند

قرص افسنتین منهاج سودمند بوذ جهت سردی معده وجگر وسدد های آن وتبهای بلغمی را زایل کند وسدد سبرز بگشایذ وعسر البول را نافع بوذ صنعته افسنتین رومی وتخم کرفس وانیسون واسارون ومغز بادام تلخ ازهریک ساوی کوفته وبیخته باب خالص بسرشذ وقرص سازذ شربتی یک مثقال وقوة آن تا شش ماه باقی ماند

قرص اسقولوقندریون از منهاج سودمند بوذ جهت درد جگر وسبرز ومجرب صنعته اسقولوقندریون چهار درم جعده وحب ماذریون وحب البان مقشر وحب کاکنج وجاوشیر وبلوط وقسط ازهریک دودرم افسنتین رومی هشت درم کوفته وبیخته جاوشیر درسرکه بگذازند وداروها بذان بسرشند شربتی یک درم وقوة ان تا شش ماه باقی ماند

قرص دم منتعل سودمند بوذ جهت اختلاف دم وتزحیر صنعته طین مختوم وطین ارمنی وقرط وطباشیر وطراثیث ازهریک دو درم تخم حماض بری وصمغ عربی وجلنار ازهریک چهار درم نشاسته وورق گل سرخ ازهریک سه درم تخم کرفس وسماق

ومصطکی از هریک یک درم بلوط و لست کنار و مورد دا نه
هریک دو درم عفص و زیره کرمانی مدبر بسرکه بریان کرده
جنانچه شرط است از هریک نیم مثقال کوفته و بیخته بلعاب بنکو
بسرشند و قرص سازند شربتی یک درم و قوة این هم تا شش ماه
می ماند قرص صندل از ذخیره سود مند بود جهت بی خوابی و درد
سر و شقیقه جون بر پیشانی و شقیقه طلا کنند صنعته افیون
و سرو لادن و کافور از هریک پنج درم کندر و انزروت و رامک
و طین ارمنی از هریک ده درم زعفران و سر و البیح و پوست بیخ
لفاح از هریک پنج درم کوفته و بیخته بکلاب و آب کاهو بسرشند
و قرصهای مثلث بسازند و در سایه خشک کنند و بوقت حاجت
باب کشنیز تر و آب ورق کاهو یا بسرکه بسایند و بر پیشانی طلا
کنند قرص سرطانی جهت سلول بغایت نیکو بود طین ارمنی
و طین مختوم و طین رومی و نشاسته و ورق گل سرخ از هریک
شش درم سرطان سوخته ده درم کثیرا و طباشیر سفید و سادج
مغسول از هریک پنج درم دب السوس سه درم کوفته و بیخته باب

لسان الحمل بسرشند و قرص سازند شربتی دو درم با شراب انار عذب جهت
سل و دق و نفث خون مفید بود ان شاء الله الباب الحادی عشر فی الایارجات
ایارج روفس سود مند بود اخلاط سوداوی و بلغمی و داء الثعلب را
عظیم نافع بود و تفسیر ایاره دواء الهی است و ایاره سالم تر از حبوب
و مطبوخات بود صنعه آن شحم حنظل بیست م صبر اسقوطری پنج
درم سکبینج جاوشیر از هریک بیست م جولنجان ده درم کمادریوس
بیست م فلفل سفید فطراسالیون زرنباد و بندحرج دارچینی سلیخه
زعفران زنجبیل جعده مرصافی از هریک دو درم کوفته و بیخته همه را
بشراب خیسانند تا حل شود و با عسل کف گرفته بسرشند عسل
سه وزن ادویه شربتی دو مثقال تا چهار مثقال با آنکه افتیمون و شاهترج
و هلیله سیاه و مویز طایفی و غاریقون و اسطوخودوس و کافیطوس و بسفایج
و گاوزبان و نیم درم ملح هندی بجرعه فرمایند قوة این ایاره بعد از شش ماه
تا چهار سال می ماند ایاره فیقرا سود مند بود جهة امراض سر و ضعف
معده و درد مفاصل و قولنج و قی بلغمی و فالج و لقوه و استرخاء و گرانی
زبان صنعه آن مصطکی زعفران سنبل الطیب حب بلسان اسارون سلیخه

دارچینی عود بلسان از هریک یک مثقال صبر اسقوطری شش مثقال
بعضی شانزده مثقال میکنند کوفته و بیخته در ظرفی آبگینه کنند و قوة آن
تا چهار سال باقی باشد شربتی یک مثقال تا دو درم با ادویه یاد کرده
که صفت آن در حب ایاره گفته شد ایاره جالینوس سود مند بود
فالج و لقوه و تشنج و استرخا و خلطهای لزج دفع کند و مثانه را سود مند بود
و نافع بود کسی را که منی بغیر اراده از وی جدا شود صنعه آن شحم حنظل
غاریقون اسقیل مشوی اشق سقمونیا خربق سیاه هوفاریقون افربیون
از هریک شانزده درم بسفایج افتیمون مقل ازرق کمادریوس سلیخه فراسیون
از هریک نه درم مرصافی سکبینج زراوند طویل فلفل سیاه و سفید دارفلفل
دارچینی جاوشیر جند بیدستر فطراسالیون از هریک چهار درم و بعضی از
اطبا زعفران و صبر از هریک چهار درم میکنند کوفته و بیخته صموغ در شراب
حل کنند و داروها کوفته و بیخته بعسل کف گرفته بسرشند و مجموع با هم نیک
سرشته کنند شربتی از دو مثقال تا چهار مثقال با آبی که هلیله کابلی و
افتیمون و مویز طایفی و نیم درم نمک در آن جوشانیده باشند بیاشامند
و این ایاره بعد از شش ماه تا چهار سال قوة دارد ایاره لوغاذیا

این ایاره مبارکست بسیار منفعت بدن را پاک کند از همه اخلاط و فضلها
مختلف از قعر بدن پاک کند و خلطهای لزج عفن محترق دفع کند و این
مسهلی بی زحمت بود و سود مند بود فالج و رعشه و لقوه و تشنج و صرع و صداع
و داء الفیل و برص و بهق و توبا و سعفه و شقیقه و صلاع و دوار و صمم و وسواس
و شهوه کلبی و تغیر عقل و عسر نفس و درد گرده و مثانه و نقرس و درد مفاصل
و عرق النسا و درد گوش و داء الثعلب و داء الحیه و دیبهار کهن بدین همه را
نافع بود و حیض بسته بگشاید صنعه آن شحم حنظل پنج درم اسقیل
مشوی غاریقون سقمونیا خربق سیاه اشق اسقوردیون از هریک
دو درم افتیمون افربیطی کمادریوس مقل ازرق صبر سقوطری از هریک
سه درم حاشا سادج هوفاریقون فراسیون جعده سلیخه فلفل سفید و سیاه
دارفلفل زعفران دارچینی جاوشیر بسفایج سکبینج جند بیدستر مرصافی
فطراسالیون زراوند طویل عصاره افسنتین افربیون سنبل جامازریوس حنطیانا
رومی اسطوخودوس از هریک دو درم کوفته و بیخته صموغ در شراب خیسانند
تا حل شود و همه را بعسل کف گرفته بسرشند شربتی چهار مثقال و قوة آن
بعد از شش ماه تا چهار سال می ماند و اولی آن بود که شبانگاه فرو برند

وصباح جلاب از بسفایج وزوفا وافتیمون و پوست هلیله کابلی وگاوزبان
واسطوخودوس ومویز طایفی وقدری نمك بجرعه فرمایند نافع بود
الباب الثانی عشر فی الشیافات شیاف کنگری بوره ارمنی پنج درم کنگری
سی درم خطمی بیست درم شکر سرخ پنجاه درم شحم حنظل پنج درم شیاف جاوشیر
خطمی بنفشه از هریك سه درم بوره ارمنی نیم درم سنا آسکیه دو درم عسل جاوشیر
پنج درم شکر سرخ پنج درم شیاف زحیر شادنج عدسی اسفیداج مرد زعفران
شیاف مامیثا اقاقیا کندر در یاپی افیون از هریك جزوی بآب مورد
یا آب گشنیز یا آب سماق برشته شود وهر شیافی را قدری ریسمان با آن شافه ساز
واستعمال کنند الباب الثالث عشر فی التریاقات تریاق فاروق تریاق
بزرگ خوانند طبیعه آن گرم وخشك بود سودمند بود گزندگی جانوران و
مجموع زهرها وادویهای کشنده وشربتی از آن بقدر حاجت بود دانگ ان
یك تسوج است وزیاده آن دو مثقال وچون بر موضع گزندگی طلا کنند سود مند
بود وقوة دل بدهد وجمیع مرضهای سرد را سودمند بود واگر خواهی آن بیشتر شود
دراز گردد سعال وعسر نفس ودرد سینه وشش ونفخ معده وقولنج واستسقاء و
برص وبهق وجذام واوجاع مفاصل ومجموع مرضها که از سودا وبلغم بود نافع باشد.

وصرع وصداع وتاریکی چشم ودرد شقیقه وبواسیر را نافع بود وبول براند وحیض
بگشاید صنعه آن اقراص عنصل چهل وهشت مثقال اقراص افاعی اقراص
اندروخورون فلفل سیاه افیون مصری از هریك بیست وچهار مثقال ورق
گل سرخ تخم شلغم بری توم بری ایرسا غاریقون رب السوس روغن بلسان
از هریك دوازده مثقال دارصینی بیست وچهار مثقال وبعضی دوازده مثقال
میکنند مر زعفران زنجبیل ریوند چینی فنطافلون فوتنج جبلی فراسیون
قسط فطراسالیون اسطوخودوس فلفل سفید دار فلفل کندر ذکر مشطرامشیع
فقاح اذخر صمغ البطم سلیخه عیه سود اسنبل الطیب جعده از هریك شش مثقال
لبنی تخم کرفس سیسالیوس خروب بابلی کادریوس نانخواه کافیطوس عصاره
لحیه التیس ناردین اقلیطی شیح جبلی ساذج هندی موحنطلیا تخم راز یانه
مختوم زاج محرق که تمام سوخته باشد حاماذج حب بلسان فوفا ریقون صمغ
عربی قردمانا انیسون اقاقیا از هریك چهار مثقال دوقو قنه مثل الیهود جاوشیر
قنطوریون باریك زراوند مدحرج سکبینج از هریك دو مثقال جند بیدستر دو مثقال
وبعضی چهار مثقال میکنند عسل که کف گرفته باشند ده رطل شراب کهنه خوشبوی
رطل ورطل باید که بوزن بغداد بود وهر رطلی نود مثقال ضمها وعصارات شراب.

طرانثیا م مثقال

خیسانند تا حل شود وعسل بر سر آن کنند ویکشبانروز رها کنند بعد از ان ادویه کوفته
وبیخته بروغن بلسان حب کنند وبعسل سرشته شود ودر ظرفی نقره یا چینی یا سفالی
تا یک ماه کنند وباید که ظرف پر نکنند واستعمال کنند بعد از یکسال وبعضی جایز داشته اند
بعد از شش ماه وبعضی گفته اند که شاید که استعمال کنند تا پنج سال بر آن بگذرد تا شش سال
وبعضی گویند که شاید که مستعمل کنند الا بعد از ده سال یا دوازده سال وآن زمان در غایت
جوانی وقوة باشد تا سی سال وچون از سی گذشت تا بشصت سال قوة آن باقی
است وهر خواصی که گفته اند همچنان داشته باشد لیکن بعد از شصت سال همه منافع
که بدان نافعست همان عمل بکند اما دفع سموم ولذوع ونهوش بکند وآن زمان تقویت
معاجین بزرگ بود تریاق اربعه تریاق کوچک خوانند سودمند بود گزندگی
جانوران خصوص عقرب وباد غلیظ که در معده بود وروده ودرد جگر وسپرز
وصرع وخفقان سودمند بود واگر زنی را بچه بزبان زهره باشد یا مشکل زاید
یک مثقال فرو برد سهل گردد صنعه آن جنطیانا ناردین حب الغار مر صافی
زراوند طویل اجزا همه کوفته وبیخته باسه چندان عسل کف گرفته بسرشند
شربتی یک مثقال بآب سرد وبعد از دو سال عمل وی باطل گردد تریاق عزد
سودمند بود جهت گزندگی جانوران وبادها غلیظ که در روده بود ودرد جگر

وسپرز وصرع وخفقان ولقوه وفالج سودمند بود صنعه آن تمامار صابی
سنبل هندی وساذج لك مامیثا قرنفل ریوند چینی فتولیا قسط تلخ حنطیانا
رومی از هریك دوازده مثقال فقاح اذخر عصاره لحیه التیس مقل ازرق
از هریك هشت مثقال عاقرقرحا دارچینی تخم راز یانه کرنب کوکر دحوس تخم سلت
اسارون قردمانا افربیون افیون ناردین اقلیطی فقاح الکرم گل اقلا تخم کرفس
کوهی دودو افتیمون افربطی از هریك سه مثقال کثیرا احشحاش سفید فلفل سیاه
از هریك سه مثقال بزر البنج بیست وهشت مثقال سلیخه ورق گل سرخ اقراص
اندروخورون از هریك نه مثقال تخم سداب یکمثقال دانه اترج منشر سماق
شامی منقی از هریك دو مثقال روغن بلسان بیست وچهار مثقال عصاره قیصوم بیست
مثقال فقاح المر چهار مثقال نیم ورق اترج سبز ده مثقال صموغ وعصارات
در ملث خیسانند وباقی ادویه کوفته وبیخته باسه وزن ادویه عسل مصفی داروها
بروغن بلسان چرب کنند وبعسل بسرشند ودر ظرفی چینی کنند وبعد از شش
ماه استعمال کنند شربتی یا یکمثقال شاید وقوة این تا هفت سال باقی باشد بعد از آن
باطل گردد مثرودیطوس که آن از تریاق شمرده اند سودمند بود زهرها مختلف
وگزندگی جانوران وسگ دیوانه وقولنج بگشاید وفالج ولقوه واسترخا

نافع بود وسدّ جگر بگشاید و ورمهای صلب نرم کند و سینه را از اخلاط پاک کند
و رطوباتی که در شکم بود دفع کند و درد معده و امعا و فاق و غلاظ و خون رفتن
باز دارد و قوه باه بدهد و گونه روی نیکو کرداند و اشتهای طعام باز دید
کند و سنگ مثانه ریزان کند و بچه در رحم نگاه دارد و ذهن صافی کند و جوانی
نگاه دارد و دفع همه زهرها بکند و خاصیت این نزدیکست به تریاق فاروق
صنعت آن مر زعفران غاریقون زنجبیل دارصینی علک البطم کثیرا
از هریک ده درم سنبل الطیب کندر ذکر خردل سفید عیدان بلسان اسطوخودوس
از خرنسط سیسالیوس کمافیطوس قند راتینج دار فلفل عصاره هوفسطیداس خند
جاوشیر میعه سادج از هریک هفت درم سلیخه فلفل سیاه و سفید سورنجان
اسقوردیون دوقو اکلیل الملک حظیانا دهن بلسان حب بلسان فوفون
مقل از هریک هفت درم سداب دو درم تخم سداب ده درم اشق ناردین اقلیطی مصطکی
صمغ عربی فطراسالیون فردمانا افیون تخم رازیانه ورق گل سرخ مشکطرامشیع از
هریک پنج درم انیسون بیخ فومو سکبینج اسادون از هریک سه درم اقاقیا هوفاریقون
سره سقنقور از هریک چهار درم صمغها در شراب کهن ریحانی حل کند و داروها کوفته
و بیخته با سر چنان عسل مصفی بسرشد و بعد از شش ماه استعمال کند

و قوه این تا هفت سال باقی ماند تریاق جهت کزند کی عقرب سود مند بساند
زراوند مدحرج پوست بیخ کبر از هریک نیم درم کوفته و بیخته با شراب بیاشامد
الباب الرابع عشر فی السنونات سنونی که دندانرا جلا دهد بغایت
شاخ بز کوهی سوخته و نمک اندرانی و کف دریا از هریک جزوی بیخ نی سوخته
دو جزو سادج ربع جزوی سفال صینی جزوی همه را سحق کرده سنون سازد
سنونی که دندانرا جلا دهد و بیخ آن محکم دارد نمک اندرانی بساید و در کاغذ
بندد و بر سر خاکستر گرم اندازد تا سرخ شود بردارد و چون خشک شود در
قطران اندازد پس جزوی از آن و از کف دریا و سعد و دارچینی و مرو خاکستر
در یمنه از هریک جزوی کافور عشر جزوی سحق کرده سنون سازد سنونی
که دندانرا جلا دهد و سیاهی ببرد ابگینه شامی کف دریا از هریک جزوی نمک
بساید و سنون سازد باید که گوشت بن دندان نگاه دارد تا سوده نگردد
سنونی که جهت دندانی که متحرک بود نافع باشد و قوة آن بدهد قرن ایل سوخته
نمک اندرانی بعل سرشته و سوخته کرده از هریک جزوی گلنار نیم جزو پوست
هلیله زرد و ورق گل سرخ از هریک جزوی سحق کرده بر بیخ دندان افشاند
که نیکو بود سنونی که بوی دهان خوش کند و بیخ دندان محکم دارد شاخ بز

کوهی سوخته و نمک بعل سرشته سوخته از هریک ده درم زعفران سنبل مصطکی
سعاب خشک از هریک دو درم گلنار سماق از هریک یکدرم سعد و جو سوخته
از هریک سه درم کوفته و بیخته سنون سازد سنونی که گوشت بن دندان کم
ریزد و باشد برویاند و محکم دارد زراوند مدحرج کرسنه بیخ سوسن اسمانگون
دم الاخوین مساوی کوفته و بیخته سکنجبین عنصل بر سرشته و بر بیخ دندان طلا
کند برروی پنبه پاره سنونی که بوی دهان خوش کند و بن دندان محکم دارد
صندل سفید پوست ترنج خشک اذخر رامک از هریک سه درم قاقله کبابه قرنفل
عود هندی مصطکی شک از هریک دو درم کوفته و بیخته سنون سازد سنونی
که سیاهی دندان ببرد قنبیل ده درم فلفل چهار درم حاماسه درم سادج دو درم مازو
سوخته نه درم سحق کرده بمسواک بمالد سنونی که کند بینی قطع کند مر قلقطار
سک پوست انار قصب الذریره قرنفل و نسرین مساوی بکوبد و بیزد و بینی را
بفتیله که بشراب ریحانی تر کرده باشند تر کند و از آن دارو کوفته بینی در دمد
و فتیله دیگر بدان دارو ها بیاغارد و در بینی نهد سنونی جهت جوشیدن دهن
نوفل اقاقیا سماق بی دانه طباشیر گلنار ورق گل سرخ آرد جو مجموع کوفته و
بیخته اول قدری سرکه و دوچندان گلاب نیم گرم کند و بکتان پاره بدان دهن

بشوید و بعد از آن سنون سازد الباب الخامس عشر فی الادهان
دوغن بنفشه بستانند بادام شیرین و سفید کند و از هریک بادام بدو نیمه کند
و خشک کند و بهر یک من بادام نیمی گل بنفشه در میان آن کنند و شب در
جامخواب می اندازد و روز همچنان بهم کنند و چون ده روز بگذرد اگر دیگر
بنفشه ملکی کند بهتر بود و تا چهل روز پرورش دهد و بعد از آن روغن بگیرد
و اگر بعوض بادام مغز دانه کدو باشد شاید بلکه در دی رطوبت زیاده بود که در
بادام روغن گلبادام بادام در میان گل چنانچه در بنفشه گفت پرورش دهد
و روغن بگیرد روغن گل سرخ ورق گل سرخ تازه در شیشه کند و روغن بنجید
بر سر آن کند و چهل روز در آفتاب آویزد روغن گل سفید همچنان که روغن گل سرخ
گفته شد بسازد و روغن یاسمین و خیری و سوسن و زنبق و نرجس و نسرین
و شقایق و امثال آن بدین نوع سازند روغن شاهسفرم آب ریحان یکمن روغن
کنجید چهار یکی آب قدری بر سر آن کند و بجوشانند تا آب بسوزد و روغن بماند
روغن کدو آب کدو یکمن و چهار یکی روغن بادام یا کنجید بر سر آن کنید و قدری
آب بجوشانند تا آبها بسوزد و روغن بماند روغن خشک و کنجید چهار درم خسک
نیم کوفته ده درم بجوشانند و صافی کند و نیمی روغن کنجید بر آن نهد و بجوشانند

تاآب بسوزد روغن قسط بزرک اسود مند بود درد جکر و معده و سردی مفاصل
واسترخاء آن قرنفل ده درم سنبل سادج میعه سائله ایرسا فرنداشته قسط
از هریک بیست درم راسن خشک سلیخه عیدان بلسان از هریک ده درم مر
پنج درم مجموع کوفته یکشبانروز در پنج من آب خیسانند و بعد از آن بجوشانند اول
روز تا آخر روز باتش آهسته و صافی کنند و ده من روغن زیت ناکهنه بر آن
بران نهند و بجوشانند تا آب بسوزد و روغن بماند روغن قسط نوع دیگر که عصبهارا محکم
دارد و درد جکر و درد معدا که از سردی بود سودمند بود و موی برویاند
چون طلا کنند قسط مر صد درم سلیخه شش درم ورق مرماجوز چهل مثقال نیم کوفته
در شراب کهن خیسانند یکشبانروز پس آتشی آهسته بجوشانند و صافی کنند و بمین
روغن زیت ناکهنه بران نهند و بجوشانند تا آب بسوزد روغن مصطکی جهة ضعف
نافع بود روغن کنجید چین مصطکی ده مثقال در قنینه کنند و دیکی بر آب کنند و
آن قنینه در میان آب بیاویزند و باتشی نرم میجوشانند تا مصطکی بخار آب
بکدازد روغن بابونه بابونه در سایه خشک کرده بیست درم در روغن کنجید
نیم کند در قنینه و در آفتاب آویزد تا چهل روز و بعضی بیست درم حلبه
اضافه میکنند و اکر بابونه تر بود بابونه خشک بیست درم با چهار من آب بجوشانند

تا بانیمی

تا بانیمی آید و بدست بمالد و صافی کند و یک رطل روغن کنجید بر سر آن کند
و بجوشانند تا آب بسوزد روغن شبت روغن کنجید نیمی تخم شبت در سایه خشک
کرده در قنینه کند و چهل روز در آفتاب آویزد روغن حنا ورق حنا بجوشانند
و صافی کند و روغن کنجید بران نهد روغن زرده تخم مرغ زرده تخم مرغ بدست بمالد
و قدری نوشادر سوده بروی ریزد و در قنینه کند که بکل حکمت انداده باشد
و قدری مو یا لیف بر سر قنینه نهد و در پشت قنینه آتش کند تا روغن بچکد
روغن مورد آب مورد سه رطل روغن کنجید یا بادام یک رطل بجوشانند تا آب
بسوزد و روغن بماند پس پنج درم لادن در ان بکدازد و اکر مورد خشک بود
دو من نیم مورد بجوشانند و صافی کند و یک رطل روغن بران نهد روغن نارجیل
و روغن بادام و کردکان و امثال آن بطریقه روغن کنجید باید کرفت تمام باب
السادس عشر فی المراهم مرهم شادج جهة بواسیر و شقاق عظیم نافع بود
روغن بنفشه روغن کلبادام از هریک ده درم عصاره لحیة التیس کل فرسی
کل ارمنی شادنج شسته از هریک سه درم افیون نیم مثقال و چهار درم موم سفید
پنج درم اسفیداج دو درم زعفران یک درم داروها کوفته و بغایت منخل کرده
موم با روغنها بکدازد و در هاون کند و بمالد نیک و داروها بران میریزد

مرهم اسفیداج جراحت قصیده را نافع بود
و سحق میکنند تا یکسان شود مرهم سفید کوشت برویاند و حرارة را نافع بود
موم سفید اسفیداج از هریک دو درم روغن کل چهار درم موم بر روغن بکدازد
و اسفیداج بران ریزد و در هاون بمالد و اکر حرارت زیادت بود قدری کافور
اضافه کند و اکر جهة سوختن بود دو کرد ماهی جانوران مرداسنج پنج درم اضافه
کند و چون بساید شود قدری سفیده تخم مرغ با آن بیامیزد مرهم سیاه
کوشت فاسد بخورد و کوشت نو برویاند و بیشتر جراحتها را سودمند بود مرداسنج
نیم رطل زیت صافی یک رطل و ربعی موم صافی ربع رطلی زفت رومی بیست درم
علک پنج درم موم و زفت با زیت بکدازد و مرداسنج بران ریزد و میمالد تا
منعقد شود مرهم خسل کوشت برویاند و ریش خشک کند مرداسنج ده درم
کوفته و بیخته با چهل درم سرکه بزنند و چهل درم زیت در هاون کند و بساید بمبالغه
تا یکسان شود و اکر خواهد دو درم زرد کوفته و بیخته اضافه کند و بغایت
سحق کند و استعمال کند مرهم داخلیون جهة خنازیر و سلع بغایة نافع بود و ورمها
بکشاند حلبه و بزرکتان خطمی سفید از هریک کیله و هر یک بکوبیاند یکشب ..
کند بعد از آن بکیرد از لعاب هر یکی یک رطل و نیم و از مرداسنج یک رطل و نیم و بغایت
سحق کند و با سه رطل زیت بجوشانند تا نزدیک انعقاد و لون آن بغیر کنند بعد از آن

... بجوشانند پس مرداسنج در روغن لعابات بر سردی میریزد اندک
اندک و باتش نرم میجوشانند تا همه منعقد شود مرهمی که جهة سوختن
بغایت نافع بود هر اعضا که سوخته باشد اسفیداج ارزیی دم الاخوین حکیده
مرداسنج از هریک مساوی بغایت سحق کرده موم ... قدری و روغن
کنجید و موم باهم بکدازد و در هاون کند و چندبار ... باب شیرین بشوید
و بعد از آن داروها سوده بران افشاند و بمبالغه بساید و دیکر بار بشوید
و استعمال کنند والسلام علی من اتبع الهدی

۶۹

گفتی شبی گشتنت آیم پدید

گفتا ز آه و ناله امانم نمی دهند

طلعت ... انتظار ...

رقعات ...

[illegible]